

قیام ایران

ز نظر شورای نویسندگان

حقیقی مکان

بازگشت به نام استعمار!

در گزارش های مربوط به التیام روابط فرانسه و ایران، جسته و گریخته اشاره می شود که بر اساس توافق های تهران - پاریس قرار است فرانسه از جمهوری اسلامی نفت بخرد. امروزه وقتی می گویند فلان کشور از ایران نفت می خرد معنایش این نیست که خریدار بر اساس قراردادها در از مدت در شمار مشتریان نفت ایران درمی آید و نفت را به قیمت ثابتی در مقابل پرداخت دلار دریافت می دارد. معنایش اینست که جمهوری اسلامی با خریدار قراردادی بسته و تعهد کرده است نفت خام بدهد و معادل قیمت آن جنس تحویل بگیرد. فروش نفت خام در حد خودفایده بزرگی است. هدف تمام مبارزات ضد استعماری این بوده است که کشورهای جهان سوم از حالت فروخته موادمخام و خریدار محصولات ساخته شده صنعتی خارج شوند.

بقیه در صفحه ۱۲

مروری بر دکتربین ریگان (۳)

آمریکا و فرانسه

آقای احمد میرفندرکی طی مقاله تحت عنوان "دکتربین ریگان، به مواضع سیاسی رئیس جمهوری آمریکا در موضوع خلع سلاح، استراتژی جنگ ستارگان و اروپا روتی با تروریسم بین المللی پرداخت و جوجه گوناگون دکتربین ریگان را مورد بررسی قرار داد. در مقاله دوم به بازتاب دکتربین ریگان در جمهوری و سیاست گورباچف در امر متوقف کردن مذاکرات با کفنگ در موضوع خلع سلاح و پاسخ ضمنی به سیاست اروپایی ریگان توجه شد. در مقاله ای که در این شماره به چاپ می رسد، نویسنده به روابط ویژه فرانسه و آمریکا پرداخته است که از نظر آن می گذرد.

در صفحه ۲

گفتگوی قیام ایران با رنسن

حقوق سوسیالیست بشر

شاید و بختیار چون

بسیاری از ما غریبان فریفته

انقلاب اسلامی نشد

در صفحه ۷

هادی بهزاد

به یاد سرداران قیام، ۱۳۵۹

بنیاد خطر را برانداخته است غافل که قصه آن ایله را تکرار کرده بود که "بوسرخ نشسته و بن می برید." باز از نقل تاریخ است که در پی آن جنایت هولناک، امیرا توری عباسی لاقیل در خطه ی شرق دمی روی آرامش بخود نندید که ترس ها با حمله ی بومسلم ویرانکنند اموی ها ریخته بود. با مرگ سردار خراسانی، از هر گوشه های دست ها به انتقام برآمد و قیام های سنگین سرگرفت و کار بجای رسید که در سزمین های ایرانی، از خلفا فقط سایه ای ماند و به جای جبار قنای که شاهان و امیران در خطه ها نامی از خلیفه بیاد ورنه و بگذرند و تازه سرداری مانند یقوب سیستانی از این هم دریغ کرد و اطاعت را حتی در پوشش تشریفات در شاهان خود ندید.

بقیه در صفحه ۲

بمباران مرکز مخابراتی اسدآباد

می دهد که ارتباط با ایران قطع است. که مناسبات تلفنی و تلکس با خارج قطع شده است.

خبرگزاری ها - ۳ ژوئیه

آبرو باختگان

عاقبت پس از تقریباً "دوماه سکوت و بنهان کاری، روز پنجشنبه هشتادمین خرداد ماه دادستانی کل کشور اعلام کرد که متهمان پرونده ای انفجار نخست وزیری را که در زندان اوین زندانی بودند آزاد ساخته و پرونده را مختومه اعلام کرده است. آزادی این عده به دنبال نامه ای صورت می گیرد که ۶۰ تن از مقامات جمهوری اسلامی به آیت الله خمینی نوشتند و از او برای آزادی بازداشت شدگان یاری خواستند. به نظر میرسد که حکم آزادی این عده مستقیماً از سوی دفتر آیت الله خمینی صادر شده باشد.

بقیه در صفحه ۴

حمله بزرگ

فاجعه های دیگر

هم افراد بسیار و هم نسانی که در جبهه خدمت می کنند تلاش بی وقفه ی رژیم برای بسیج نیروها را نه به قصد یک حمله ی بزرگ بلکه بر کردن جای خالی تلفات سنگینی می دانند که نیروهای ایرانی متحمل شده اند. استراتژی جدید عراقی ها در عین آنکه نیروهای ایرانی را زمین گیر کرده حضور فعال آنان را در سراسر جبهه طلب می کند. به رغم ادعاهای مقامات که هرروزه دم از گنیل لشکرها می زنند، اعترافات محسن رفیعی، فرماندهی سپاه پاسداران نشان دهنده ی وخامت وضع در جبهه ها است. اگر سخن فرماندهی سپاه را جدی تلقی کنیم و حضور فقط دودرصد از نیروهای بالقوه ی مردمی در جنگ را بپذیریم، به نا توانی ایران برای یک حمله ی بزرگ که مدت ها است مقامات مسئول دم از آن می زنند و جهان نیسان نیز در انتظار آنند، معتقد خواهیم شد.

بقیه در صفحه ۴

صدکارخانه دولتی

تعطیل می شود

در صفحه ۱۰

جنگ شهرها

را برای جلوگیری از بمباران شهرها فعال تر کند. پرزد و کوئتلار همچنین اعلام کرد آماده است کوشش های خود را برای قطع کامل مناقشه بین جمهوری اسلامی و عراق و پایان بخشیدن به این جنگ ویران گر از سرگیرد. سال گذشته دبیرکل سازمان ملل متحد طرحی داشت مادی برای پایان بخشیدن به جنگ و آغاز مذاکرات مسالمت آمیز پیشنهاد کرد که با مخالفت جمهوری اسلامی روبرو شد و به مرحله اجرا در نیامد.

پرزد و کوئتلار دبیرکل سازمان ملل متحد روز ۲ ژوئیه با انتشار بیانیه ای نگرانی خود را از امکان شروع مجدد جنگ شهرها بین جمهوری اسلامی و عراق، اعلام کرد و از دو کشور خواست برای حفظ جان و مال غیرنظامیان از حمله به مناطق غیرنظامی خودداری کنند. دبیرکل سازمان ملل در بیانیه خود که به وسیله سخنگوی سازمان ملل متحد قرائت شد اعلام کرد چنانچه امنیت ناظران سازمان ملل که از ۱۹۸۴ موریت دارند بر قطع بمباران شهرها نظارت کنند فضا شود، آماده است نقش آنها

گاه در قلموس تاریخ کلمات "پیروزی" و "شکست" از این پوسته ی خشک لغات بیرون می آیند و یکی جای دیگری را بر سر می کشد. زبان تاریخ از "شکست ها" "روایت دارد که هر چه پیروزی های بزرگ گشوده و از پیروزی ها "که ریشه های زوال و انهدام را پرورده اند. آن روز که منصور خلیفه ی عهد شکن و ناکس عباسی به فریب و تزویر و لیب نعمت خاندان خود "ابومسلم" را به خاک و خون کشید، جهان را در بند خویش می دید و قند در دل آب می کرد که "خلافت بهنجا رشتد". مورخی نوشتند فقط او که "اقریای او نیز به شادی سرازاری شناختند، زیرا که از مهابت و بیم سیاست او (ابومسلم) شب بریستر فراغت نمی نمودند و در زیر چاه کفن پونیده بصری برسد. منصور گمان می برد که با قتل ابومسلم

جمهوری اسلامی اعلام کرد در بمباران ایستگاه مخابراتی اسدآباد همسایگان، دوتن کشته و عده زیادی زخمی شدند و ارتباطات تلفنی و تلکس با خارج قطع شده است.

به گزارش جمهوری اسلامی بدستال بمباران مرکز مخابراتی اسدآباد از سوی دو هواپیمای عراقی، از ساعت ۵:۵۵ دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲ ژوئیه ارتباطات تلکس و تلفن ایران با جهان خارج که از طریق ما هوارها انجام میگیرد قطع شد.

اداره مخابرات فرانسه نیز صبح پنجشنبه ۳ ژوئیه اعلام کرد که تماس های تلفنی و تلکس با ایران قطع شده است.

یک سخنگوی نظامی عراق روز چهارشنبه ۲ ژوئیه اعلام کرد که هواپیمای عراقی مرکز ارتباطات ما هوارهای اسدآباد را به شدت بمباران کردند و آن را به آتش کشیدند.

در اثر بمباران قلبی ایستگاه مخابراتی اسدآباد که در خرداد ماه انجام گرفت، ارتباطات ما هوارهای ایران با خارج حدود دو هفته قطع بود.

تا میزنند از قول منابع مخابراتی قبرس نیز گزارشی داد که ارتباطات ما هوارهای ایران با خارج قطع شده است.

شرکت بین المللی ارتباطات راه دور زاپن نیز اعلام کرد بدستال قطع ارتباط تلفنی و تلکس بین ایران و ژاپن، خریدهای نفتی ژاپن از جمهوری اسلامی متوقف گردیده است. اداره ارتباطات راه دور لندن نیز با بخش نواری به کسانی که قصد دارند با ایران تلفنی تماس بگیرند، اطلاع

یادای از یگان شهروان

در صفحه ۳



فروری بودکتورین ریگان (۳)

آمریکا و فرانسه

احمد میرفندرسکی



اعتصاب های عمومی

علیه جنگ

ملت لبنان روز پنجشنبه سوم ژوئیه اراده قاطع خود را در رد و طرد ماجراجویی های گروه های افراطی - که دریا زده سال اخیر این کشور را به صورت آورده گاه اغراض و اهداف سلطه جویانه خود قرار داده اند - به نمایش گذاشت. کنفدراسیون سراسری کارگران لبنان از همه مردم دعوت کرد تا روز پنجشنبه در یک اعتصاب سراسری به عنوان اعتراض به جنگ طولانی داخلی دست از کار بکشند. پاسخ مردم لبنان به این فراخوانی گسترده، کامل و درخور توجه بود.

علاوه بر این، گزارش ها حاکی از آنست که گروه ها و پیروان مذاهبن گوناگون از مارونیست ها، دروزی ها، مسلمانان، کردها و ارامنه یکسان در نمایش ملی اعتراض به جنگ داخلی شرکت جستند. در مرحله مسلمان نشین بیروت، دربلیک که قدرت محلی در دست حزب الله است علیه تمام شهیدشیمیان افراطی دست نشانده جمهوری اسلامی، گروه کثیری از پیشهوران و صاحبان مغازه ها به فراخوان اعتراض پاسخ مثبت گفتند و در برخی از گزارش های دیگر آمده است که مردم لبنان روز پنجشنبه سوم ژوئیه پس از سالهای طولانی تفرقه و جنگ با وجدان آگاه به شفع وحدت ملی و آشتی جویی رأی مثبت دادند.

این موج تازه اعتراض به برادر کشی تا امانی و باج خواهی ها نشان از آن دارد که ملت لبنان سراسرا برای نجات کشور از ویرانی کامل، خود به محض عمل وارد می شود. کشوری که ده سال است در آتش جنگ داخلی با باره بسیار می شود و هر ماجراجویی با اتکاء به کشوری بیگانه به مرید جویی و تیراندازی و سنگسری کوچ و خبیانان بر می خیزد به صلح و عاقبت همزیستی نائل نخواهد شد مگر آنکه عقل سلیم ملی و همبستگی اکثریت جامعه سراسرا این خواست انسانی و ملی را بر سر ماجراجویان تحمیل کند.

ملت لبنان بیش از آن بهای تفرقه و تحریکات را پرداخته است که با زحم بتواند دست روی دست بگذارد. اعتصاب عمومی سوم ژوئیه فریاد بلند و رسای میلیون ها لبنانی است که از ماجراجویی ها به تنگ آمده اند و می خواهند فضای آرام و سازنده همبستگی به اقسام زخم های دردناک و ویرانی ها بگردانند.

طبق خبرهای رسیده، روز پنجشنبه دوم ژوئیه نیز اعتصاب دیگری به دعوت کنفدراسیون سراسری کارگران لبنان برپا خواهد شد که در بخش های عمومی و خصوصی کارکنان و کارگران به اعتصاب نشسته دست خواهند زد و به دنبال آن برای نمایش نا رضایی خود از جنگ داخلی به تظاهرات خیابانی خواهند پرداخت. شاید این هشدار میدوان سندیکیای سراسری کارگران لبنان که ماه ژوئیه ماه سرنوشت ساز در جهت تنگنا گذاردن ماجراجویان است، به واقعیت تبدیل به پیوندد. حقیقت هم این است که راه حل دشاری های لبنان جز با کوشش گسترده و متحد مردم این مملکت میسر نیست و مردم مصیبت زده این کشور که قربانی قدرت طلبی های خمینی، آسند، عرفات و قذافی شده اند، با زده سال فرمت داشته اند که در این وطنش روی آرزایش نخواهد دید، مگر آنکه انبوه کشیر مردم، اراده قاطع خود را در رد و حذف واژگان آتش گزینی گروه های تروریست و مزدور به منصفه عمل در آورند.

تلفن خبری

همه شبان غیرا

هر روز پیش خبری نعت
مقاومت ملی ایران
شماره درجه ۱۳
خبرهای ایران و جهان
قرار می دهد.
نماره تلفن : ۴۲ - ۳۶ - ۸۵

بیفزاید. اما کردار بر قدرت بی توافق نرسند فرانسه آنچه را که از دستش برآید خواهد کرد. " مینران در این زمینه اضافه کرد: " حس ششم به من می گوید که اتحاد شوروی سرانجام با ایالات متحده سرچشمه تحقیقات و احیاناً " ساختن موگ های ضد موگ یا جنگ ستاران بدون عسری توافق خواهند رسید. زیرا اتحاد شوروی به گمان من در نیل توافق صادق است. "

در مورد " جنگ ستاران " یا ابتکار دفاعی استراتژیکی که از ارکان دکترین ریگان است فرانسه میتران با ردیگر مخالفت خود را با شرکت رسمی و تمام و کمال فرانسه در اجرای این برنامه اعلام کرد. (آلمان غربی و انگلیس قبول کردند در برنامه مذکور شرکت نکنند.) اهمیت اظهار میتران در اینست که پس از بیانات ژاک شیراک (آدا گویدید. نخست وزیر شوکت فرانسه را در برنا مه محور لازم می دانند. نقش ها تا حدی عوض شده است شیراک گولیتس حاضر به قبول نظریات ایالات متحده است. در صورتی که میتران سوسیالیست رویه سرکشی دوگسل را پیش گرفته است.

ولی میتران در مورد جنگ ستاران موضع میان رویای و انتخاب کرد بدین معنی که قبل از روی کار آمدن اکثریت کنونی اظهار داشته بود که کمپانی های خصوصی فرانسوی بدون اینکه تهدید برای دولت فرانسه ایجاد کنند می توانند تحقیقات مربوط به ابتکار دفاعی استراتژیکی شرکت کنند. آنچه فرانسه و آمریکا را بهم می آمیزد و پیوند می زند عشق به آزادی است. هر دولت عاشق آزادی هستند فرانسه به آمریکا در نیل به آزادی کمک می کرد آمریکا هم در اعاده آزادی به فرانسه نقش قاطع در دولت نویت ایفا کرد.

فرانسه میل دارد از این آزادی در برابر خود آمریکا هم برخوردار باشد یعنی به طلب خاطر نقش متحد را ایفا کند. نه اینکه تصمیمی درماباره اقیانوس به دست یا غلط اتحاد کرده و به وسائل مختلف از قبیل تطمیع و تهدید به انزواگری به فرانسه تحمیل گردد. آمریکا توقع دارد متحدان را رو بسا همه مثل انگلیس حرف شنو باشند و مخالف خوانی نکنند تا کاخ سفید بتواند با تکی استاید آنان ریگان تسیم را بیاده کند.

از ناها ر خصوصی که میتران و ریگان با هم صرف کرده خیری هنوز نشر نگردیده است ولی می توان حدس زد که مناسبات شرق و غرب مورد بحث فرا رگرفته است و رئیس جمهور فرانسه بر اندیشه مواجسته با اتحاد شوروی و این بیان که روس ها را باید نخست تحت همه گونه فشار قرارداد تا راه بیابند صحنه کشاد است. میتران پیامی از طرف ریگان برای گورباچف ندارد قدر مسلم نقط نظر آمریکا را برای او کاملاً روشن خواهد کرد. ریگان با تمام احترام و ملاحظاتی که به فرانسه در روزهای آخرنشان داد اعتقاد به میانجی گیری این دولت ندارد. وعظیه را سخ دارده مشکلات باید میان او و رهبران اتحاد شوروی حل و فصل شود و دخالت دولت های دیگر از آنجا که هم که دوست باشند در روابط دوا بر قدرت نه تنها کار را آسان نمی کند بلکه پیچیده و آجانا " خطرناک تر می کند. یکی از جنبه های بارز دکترین ریگان رهبری توأم با تکراری است.

فروکش کرده است بنا بر این باید نتیجه گرفت که اقدامات تلافی جویانه جمعی چندان مہمی فایده نیست. در چند روز گذشته بماط جشن و سرور و تبریک و درود در نیویورک به مناسبت مدمن سال اهدای مجسمه آزادی به ملت آمریکا از طرف ملت فرانسه برپا بسود. میتران و ریگان سخنان بسیار گرمی رد و بدل کردند. پیوند فرانسه و ایالات متحده محکم و تاریخی است.

فرانسه با آمریکا روابط خاص دارد که به دو بیت سال پیش بر می گردد. فرانسه آمریکا را در راه های از قبیل استعمار انگلیس و نیل به آزادی کمک کرد. آمریکا هم دوبار در جنگ های جهانی آمریکا هیچ وقت شمشیر بر سر ای هم نکشیدند. در صورتی که انگلیس و آمریکا مدتی بخون هم تشنه و در جنگ بودند. آلمان در دو جنگ جهانی کمر قتل آمریکا را بسته بود. ولی این روابط پاریس و واشنگتن، آمریکا متقابل، عدم اعتقاد دوسو طرفی به علقه محبت کدام بر دیگری می چربد، مطرح شود.

فرانسوا میتران قبل از عزمیست به ایالات متحده (۲ ژوئیه) در مصاحبه مطبوعاتی که در کاخ الیزه بعمل آورد با ردیگر مناسبات پاریس و واشنگتن را بررسی و دکترین ریگان را ارزیابی کرد. وی در آغاز مصاحبه اظهار داشت آماده است البته در صورتی که پرزیدنت ریگان ما میل به تدفیر سو تفاهمی را که بر روابط فرانسه و ایالات متحده متعاقب میتران لیبی و امتناع فرانسه از دادن اجازه پرواز از آمان کشور نشسته است بزداید و اضافه کرد من به پرسش ها پاسخ می دهم و به هیچ وجه قدم حمله به ایالات متحده را نندارم.

رویه مرفته روشن بود که رئیس جمهوری فرانسه جانت ریگان را بیشتر گرفته است تا قذافی را. ضمن اشاره به سابقه مرافقا کرد که واسط ماه مارس قبل از اینکه ایالات متحده تقاضای حق پرواز بکند، مقامات آمریکا بی از دولت فرانسه خواسته بودند که ناوهای آن کشور با تقای شبوری دریایی آمریکا از خط مرگ " کسه قذافی در مدخل خلیج سیرت کشیده بود عبور کنند و متفقاً " جدی بسودن دعوی قذافی را محک بزنند. رئیس جمهوری فرانسه اظهار داشت: این درخواست آمریکا را رد کردیم، دوستان آمریکا بی ما همان وقت میبایست درک کنند که دولت فرانسه با حق پرواز موافقت نخواهد کرد. فرانسه یک کشور مدیترانه ای است و با جهان عرب روابطی دارد که چشم پوشی از آن برایش میسر نیست و تکیه ما بیشتر از آمریکا ثیان مخالف تروریسم هستیم. در فرانسه و اروپا به مراتب بیشتر عملیات تروریستی رخ می دهد تا در ایالات متحده. ولی مخالفت با تروریسم معنی اش این نیست که شخص باید بی چون و چرا ما مسور و فرمانبردار اف. بی. آئی گردد. ما در این مورد وحدت نظر نداریم. تصور نمی کنم با کشتن صد و پنجاه نفر لیبیایی که گناهی نداشتند می توان تروریسم را گرفت. شما نمی توانید این قبیل مسائل را با اقدامات تلافی جویانه جمعی حل کنید. من به اقدامات تلافی جویانه جمعی اعتقاد ندارم.

در اینجا باید تذکر داد که پس از میانجی ایبی تروریسم بین المللی ظاهر شد. نتیجه گرفت که اقدامات تلافی جویانه جمعی چندان مہمی فایده نیست. در چند روز گذشته بماط جشن و سرور و تبریک و درود در نیویورک به مناسبت مدمن سال اهدای مجسمه آزادی به ملت آمریکا از طرف ملت فرانسه برپا بسود. میتران و ریگان سخنان بسیار گرمی رد و بدل کردند. پیوند فرانسه و ایالات متحده محکم و تاریخی است. فرانسه با آمریکا روابط خاص دارد که به دو بیت سال پیش بر می گردد. فرانسه آمریکا را در راه های از قبیل استعمار انگلیس و نیل به آزادی کمک کرد. آمریکا هم دوبار در جنگ های جهانی آمریکا هیچ وقت شمشیر بر سر ای هم نکشیدند. در صورتی که انگلیس و آمریکا مدتی بخون هم تشنه و در جنگ بودند. آلمان در دو جنگ جهانی کمر قتل آمریکا را بسته بود. ولی این روابط پاریس و واشنگتن، آمریکا متقابل، عدم اعتقاد دوسو طرفی به علقه محبت کدام بر دیگری می چربد، مطرح شود.

دکترین ژنرال دوگسل در دو کلمه خلاصه می شد: اتحاد در استقلال. بدین معنی که فرانسه یاد و خانه تا گردا مریکا نیست. بلکه هم رزم آمریکا است. زیرا راه پیروی کشور گروانده از منویات آمریکا نمی رود ولی در عین حال در لحظات حساس که منافع حیاتی دنیای آزاد در خطر باشد در کنار آمریکا ایستد. با کبیر سال ۱۹۶۲ هنگام بحران کوبا دنیا برای بار اول به سرعت به سوی برتگاه جنگ هسته ای بین روسیه شوروی و ایالات متحده پیش میرفت. ژنرال دوگسل بدون اینکه منتظر درخواست کنندگی بشود رسماً اعلام کرد در صورت بروز جنگ در کنار آمریکا خواهد بود.

دکترین دوگسل چنان ریشه ای در تفکر سیاسی فرانسویان دوانشده است که میتران سوسیالیست هم که رفییب و مخالف دوگسل بود امروز بدان اقتدا کرده است. ظریفی می گفت امروز در فرانسه هیچکس گولیتس ترا میتران سوسیالیست نیست. گولیتس یا استقلال خواهی رئیس جمهوری فرانسه در چند مورد به مناسبت برخورد با دکترین ریگان به چشم می خورد. موارد مذکور در مصاحبه مطبوعاتی میتران قبل از عزمیست به نیویورک بیان شده است. مهمترین مورد مربوط به تسلیحات هسته ای است.

میتران عدم توفیق در مذاکرات خلیج سلاح ژنو را تنها گناه ریگان نمی داند. به نظار عدم موفقیت ناشی از اینست که هر ابر قدرت سعی دارد گوی سبقت را در تسلیحات هسته ای از دیگری برپا دهد. ما فرانسه به هیچ وجه با اتحاد شوروی وارد مذاکره برای تقلیل تسلیحات هسته ای نخواهد شد. میتران اظهار داشت فرانسه قمدار در صد و پنجاه کلاهک اتمی خود را به ششم کلاهک افزایش دهد. تنها در صورتی که آمریکا و شوروی در مذاکرات خود به توافقی نائل گردند فرانسه از افزایش کلاهک ها منصرف خواهد شد.

گزارش‌های ایران

حمله بزرگ،

فاجعه‌ای دیگر

بقیه از صفحه ۱

آبرو باختگان

بقیه از صفحه ۱

ها شمی رفسنجانی در آخرین نمناز جمعه ماه رمضان تلویحا "اعتراف کرده دست فرماندهان در جبهه‌ها از نظر نیروهای جنگنده کاملاً بازنیت. حقایقی که سرپازان و پاندها را از جبهه با خود می‌آورند نما بشکر آنست که دست و پا ل فرماندهان حتی بسته است. دیگر مدتهاست که نیروهای آبرو از امکان جمع آوری مجروحان را در میدان جنگ نداشتند. به رغم گسترش دامنه جنگ، تعداد مجروحانی که به بیمارستان‌ها آورده می‌شوند کم‌تر از پیش پیدا نکرده است. در جنگ موحد فکسه نزدیک به چهار هفته‌ای در گذشته شدگان در میدان با قتی مانده، خانواده‌های قربانیان جنگ حکایت می‌کنند که بیست و پنج روز پس از کشته شدن فرزندانشان موفق شدند جنازه‌ی آنان را تحویل بگیرند. جنازه‌ها در زیر گرمای طاقت فرسا و آفتاب سوزان جنوب متلاشی شده و قابل شناسایی نبود. برخی از این اجساد زخمی‌های چندین ماهگی برنداشته بودند، اما چون هیچ نیروی امداد در میدان وجود نداشت مجروحان در آوردگاه چندان مانده‌اند تا جان باختند. رقم کشته‌شدگان در فکه بیست و دو هزار نفر برآورد شده است. بطور طبیعی نزدیک به نیمی از این تلفات رازخمی‌های رها شده تشکیل می‌داده‌اند.

یکی از پاسداران مجروح تعریف می‌کند که مهم‌ترین موه شرتترین نیروی امداد در جبهه تا چندی پیش "امداد دوستانه" بود. سنطورا و کمک دوستان در میدان جنگ به همدیگر است وقتی یکی از انسان به خطری افتد. این پاسداران عتارف می‌کنند که شدت گرفتن جنگ و از دست رفتن اعتقاد قلبی جوانان و اینکه هر کسی سعی دارد گلیم خویش را از آب بیرون بکشد باعث شده که وقتی یکی از پاسدارها مجروح می‌شود عملاً در جبهه‌ها رها گردد. این مجروح اگر تا نرسد بیجا و در دست امدادگران نادر نجات پیدا می‌کند، و گرنه مرگش حتمی است. همین پاسداران کید می‌کنند که فرماندهان هم به آنها دست‌سور می‌دهند که خود را حتی المقدور از خطر حفظ کنند و از "امام" نیز برای حفظ جان که رعایتش واجب است استفتاء کرده‌اند.

یکی از افسران دلیل جمع آوری نشدن مجروحان را دو چیز می‌داند. یکی از آن دلایل شدت آتش است که دشمن در میدان بوجهی آورد و معمولاً چنان کوبنده است که امکان باری رساندن به مجروحان فراهم نمی‌شود. دلایل دیگر اینست که خورسپاه پاسداران که فاقد آموزش نظامی است و از جدا قتل اصول حاکم بر میدان جنگ بی‌خبر است باعث این قضیه است. معمولاً در هر جنگی، جدر گذشته وجهه کنون، پس از یک نبرد سخت، طرفین با آتش بس موقتی به همدیگر امکان می‌دهند تا مجروحان از میدان ها جمع آوری شوند و اجساد کشته‌شدگان به پشت جبهه انتقال پیدا کند. اما نیروهای سپاه نه به اندازه خودی و نه به اندازه دشمن امکان جمع آوری مجروحان و کشته‌شدگان را نمی‌دهند. از همین روستلغات در قسمت سپاه و بسیج که مستقلاً عمل می‌کنند تا به این حد بالاست.

گذشته از فشاری سابقه‌ای که برای جلب سرپازان فراری طی سه ماهه اخیر صورت می‌گیرد برخی از نشانه‌های دیگر حکایت از تیرمیرمیر جبهه‌ها به نیروهای جنگنده می‌کند. گفته می‌شود که یک قلم بیش از ۳۰ تن از دانشجویان نسی که بنازگی از سوی دانشگاه‌های تهران به

جبهه‌ها اعزام شده بودند، چند روز پس از ورود، در جبهه‌های مهران، کشته شدند. این اتفاق به تنهایی با پدشمان دهنده‌ی دست‌شنگی فرماندهان در زمین‌های نیرو شلی می‌شود. هاشمی رفسنجانی بیش از دو سال است که نیروهای دا و طلب را به این نوید که حمله‌ی نهائی و سرنوشت‌ساز در قریب الوقوع است فریب داده و آنها را با به جبهه‌ها کشانده راه بازگشت از جبهه را به رویان بسته است. زمزمه‌ی اخیر مسئولان رژیم که چیزی به نام حمله‌ی نهائی نموده و نطق آیت‌الله خمینی در سال نو که سال ۶۵ را سال یا پانی جنگ خوانده بود چندان در درجبهه‌ها جدی تلقی نشده است. گرچه هم آیت‌الله خمینی و هم دست‌اندرکاران رژیم او بخوبی می‌دانند که مردم از آدامی این جنگ بی‌بهره به سمت آوازه‌اندو می‌خواهند هر چه زودتر از شر آن خلاص شوند.

دلیل دیگری که مانع احتمالی یک حمله‌ی بزرگ از سوی ایران است شکاف عمیق و اختلاف رویه‌تزابدی است که میان ارتش و سپاه وجود دارد. به رغم آنکه پاسداران معتقد به تخصص و دانش نظامی ارتش هستند و اعتراف می‌کنند که وقتی سپاه طرح‌های جنگی افسران تحصیلکرده و مجرب را پیاده می‌کنند نتیجه‌ی آن با طرح‌های اله‌بخگ می‌فرماندهان سپاه از زمین تا آسمان است، اما در عین حال از آن‌ها می‌کنند که نسبت به ارتش بی‌اعتمادند، هنگامی که ارتش در جبهه‌ی میسان را "پیش تاخت و ارتقا تا مهمی را تصرف کرد، اقدام ارتش از سوی سپاه با بدگمانی همراه بود. فرماندهان سپاه ارتش را متهم کردند که قصد کودتا داشته‌اند. سلاح‌های سنگین آن‌ها را به پانه‌ی نیاز در جبهه‌ها دیگر از آن‌ها گرفتند و نتیجه آن شد که ارتش نتوانست با تکلیف دشمن را تا ب بیاورد و عقب نشست. این عقب‌نشینی ناگزیر، به قیمت جان یا زده‌تن از افسران تمام شد که مسئولیت عقب‌نشینی را پذیرفتند و دستوران را اما در کرده بودند. میباید شیرازی حتی با صدور فرمان اعدام این افسران شریف نیز نتوانست اعتماد فرماندهان سپاه را نسبت به خود جلب کند.

درما حیدی مطبوعاتی محسن رضائی که چندی پیش برگزار شد، هیچ سخنی از ارتش نرفته است. انکار یا رنگ را فقط و فقط سپاه به دوش می‌کشد. واقع قفنه آن است که ارتش پس از بیسرونی راندن مراقی‌ها از خاک کشور، علاقه‌ی به چنگیدن ندارد. ارتش وظیفه‌ی خود را پایان یافته میدانند و بی‌اعتقاد است که تا وان چاه طلبی‌های آیت‌الله خمینی را باید کسانی بدهند که از رژیم او بهره‌میرند.

درواقع حاکم‌شدن چنین رویه‌تکدر ارتش است که رژیم را وادار می‌کند نسبت به ارتش در مقام سپاه با امکانات و امتیازاتی که برای سپاه قائل است تا به این حد تبعیض روا دارد. این تبعیض خودبا عتکاره گرفتن و مقاصد جاه طلبانه‌ی آن می‌شود. در واقع یک دوربا طلبی از تبعیض و نفرت بین ارتش و مقامات رژیم حاکم شده است. به همین علت سرپازانی که از جبهه‌ها می‌آیند به صراحت درباری این تبعیض آشکارا سخن می‌گویند. سرپازان از جبهه‌ی سیگاری که به وفور در اختیار سپاه است می‌روند. چند قدم دورتر در سنگر پاسداران نیافتی چشمگیر برقرار است، در حالی که سرپازان در سنگرهای سوت و کورشان به جیره‌های ندگی

دستگیرشدگان از افراد با نفوذ و دست‌اندرکاران سابق نخست‌وزیری‌اند که اکنون هم در جمهوری اسلامی دارای مشاغل حساس هستند. یکی از دستگیرشدگان به نام محمدتقی محمدی که کاردار سفارت ایران در افغانستان بود به تهران فراخوانده شد و در حین بازجویی در زندان اوین از غفلت زندانیان نشان استفاده کرد و خود را کشت. از افراد سرشنایی که برای بازجویی در مورد انفجار هشتم شهریور سال ۶۰ که منجر به مرگ رجائی، با هنر، دستگیری شد، در زندان اوین زندانی گشت خسرو تهرانی بود که اکنون معاون آقای مهدوی کئی است و در آن زمستان سمت سرپرستی سازمان امنیت و اطلاعات نخست‌وزیری را داشت. از جمله می‌توان از شخصی به نام سازگار نام برد که رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع است و در آن زمان یکی از مشاوران مورد اعتماد نخست‌وزیر (با هنر) بود و غالباً در امور تحقیقاتی فعالیت داشت. آقای سازگار تحصیلکرده‌ی آمریکاست. گذشته از اینان، آقای بهرام‌نوی، وزیر صنایع سنگین نیز در معرض اتهام بود و از مضمون مقام خود استفاده کرد و به بازجویی نرفت.

ظاهراً همه‌ی این افراد از اعضای سرشناس و مهم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هستند که اگرچه از نظر تشکیلاتی چندان مهم نیست، اما از نظر حضور فعال و اثراتی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی قابل اعتناست. همه‌ی این افراد گرایش‌های تند و چپ‌گرا دارند و موافق اعمال سیاست‌های در جهت دولتی‌گردن اقتصاد هستند. آقای بهرام‌نوی که سرشناس‌ترین چهره‌ی این گروه است غالباً به دلیل همین گرایش‌های شبه کمونیستی خود مورد انتقادهای شدید بوده است.

نخستین بار خبر مربوط به بازداشت این گروه توسط روزنامه‌ی "رسالت" که وابسته به گروه محافظه‌کاران و طرفداران رعایت فقه هستند، اعلام گشت. نویسندگان نامه‌ی به آیت‌الله خمینی که شکایت خود را از دستگیری این افراد به او برده‌اند، این روزنامه را متهم می‌کنند که خوراک برای دشمنان انقلاب اسلامی فراهم کرده است. آشکار است که عمل داسرای انقلاب اسلامی تهران مستقراً این برای چنانچه که در مبارزه با محافل فکری است بسیار گران تمام شده است. روزنامه‌ی کیپان که عادتاً "سوز و سخنگویان و مدافعان این گروه تندرو تلقی می‌شود طی این مدت با چاپ بعضی از مطالب در لافا به این

قناعت می‌ورزند که گاه به‌گاه از پشت جبهه برای آنان می‌آورند. در همان حال که فرماندهان سپاه از امکانات مالی بی‌حساب برخوردارند، ارتشی‌ها از تبعیض مالی حاکم بر جبهه‌ها ناخشنودند. پاسداران به ریشخند اسم استوارهای ارتشی را در هشتاد و گذارنده‌اند، چون اضافه حقوق آن‌ها در ماه دو بیست و هشتاد و دو تومان است. بهر حال حدس زده می‌شود که با تعطیل شدن کارخانه‌ها که سه میلیون بیگانه را به خیابان‌ها هدایت و قطع اضافه‌کاری و مزایای کارمندان، زمین‌های مناسبی برای اعزام نیروهای بیشتر فراهم خواهد شد. اما این نیروهای آموزش‌ندیده فقط می‌توانند گوشت دم‌توب با شوند و از آن حرف می‌زنند با توجه به این واقعیات چیزی جز فاجعه‌ای نخواهد شد.

توقیف‌ها اعتراض کرده‌است. از جمله نویسنده‌ی بی‌نام در شماره‌ی هشتم خرداد در صفحه ۱۸ درباره‌ی سوابق آشنا‌ی خود با محمدتقی محمدی مطالبی می‌نویسد که با همه‌ی ابهام‌های آن مشخسه‌های او را روشن می‌کند: مرحوم محمدی را می‌شناختم. خدماتش به انقلاب در کشف توطئه‌ها و فراری‌های منافقین و فعالیتش در ختنه‌سازی کودکانی نوزده قابل انکار نیست و از سوی دیگر به دلایل امنیتی غیرقابل بیان. در مجلس ختمش چند تن از وزرا و نمایندگان مجلس و سایر مسئولین شرکت کردند و حتی یکی از وزرا جمع سخن گفت. برادر دارد که در جبهه‌ی لبنان و ... عاشقانه خدمت می‌کنند، همان‌گونه که اومی کرد. بدر پیر اما زنده‌دلش چون گوه مصیبت را تحمل کرد... اما یقین دارم که این قبر قلب پیرمرد را خواهد شکست و زخم‌دلش را بی‌رحمانه خواهد خراشید. مرحوم رجائی بی‌گفت: "هرکس برای این انقلاب چیزی گذشته است و ما از آبروی خویش"

از قناعت در همین شماره‌ی کیپان و درست در همان صفحه و کنار همان مقاله، مقاله‌ی بلند بالا از مهدی نصیری چاپ شده که صرفاً "برای کویبیدن مقدس‌نماها" نوشته شده است. نویسنده در پایان مقاله‌اش می‌نویسد: "این چه جریان مرموزی است که سعی دارد بکارگرفتن عتانی مقدس و ستوده، در داخل جفوف متحد مسئولان و دست‌اندرکاران نظام مقدس جمهوری اسلامی مرزبندی وصف‌بندی بنما کند. اصراً روپا فشاری بیش از حد و فراطبی غیرمناسب با مقتضای حال و مقام، بر عتانی مقدسی چون اسلام فقا هتسی و فقه سنتی به چه انگیزه‌ای است؟" نویسنده آنگاه جواب می‌دهد که این کار باید به قصد زیر سؤال بردن نهادهای جمهوری اسلامی مثل دولت و مجلس و قوه‌ی قضائیه به پانه‌ی فقه سنتی و لاغیر باشد.

بهر حال به نظرمی رسد که محافظه‌کاران، با نفوذی که در قوه‌ی قضائیه دارند توانسته‌اند جناح مخالف را که از سوی حجت‌الاسلام خویشینی‌ها حمایت می‌شود گوشمالی سختی داده باشند. این مهم‌نیست که سرانجام افسران دستگیرشده آزاد شده‌اند و یکی از آن میان (احتمالاً) به خاطر فشار شکنجه با بخاطر آنکه زیاد می‌دانست خود را می‌کشد، مهم اینست که بی‌معا رفسعی نسبتاً طولانی عاقبت محافظه‌کاران با عمل خود توانایی مقابله با جناح مخالف را آن هم تضعیف‌ترین موقعیتی که جناح تندرو با آن درگیر است، به نمایش گذاشته‌اند.

رادیو ایران ساعت‌های پخش برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز، ۲۵ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۹۴۰۰ کیلوهرتز، ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) یا ۷۱۷۰ کیلوهرتز.

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز، ۲۵ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۹۴۰۰ کیلوهرتز، ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) یا ۷۱۷۰ کیلوهرتز.

ایران و خاور میانه



در مطبوعات بین المللی

بیروت

نویسنده: زک ابیتری

پیروزی شرق!

آیا حقیقت جغرافیای سیاسی لبنان را به درستی دریا فتنه می‌آید؟ آیا این واقعیت را دریا فتنه می‌آید که در بیروت غرب در شرق بود و "شرق" در غرب؟ گزارشی از برخی از رسانه‌های گروهی که می‌گویند دیگر در بیروت "اروپا" ای بسرنمی‌برد، خیال‌پرورانه است! چک‌ها، اتباع آلمان شرقی، بلناری‌ها، رومان‌ها و روس‌ها اروپایی نیستند؟

ماء موران کشورهای اروپای شرقی (اگرچه شوروی‌ها احتیاط‌ها می‌کنند) هرگز چنین موقعیت مناسب چند ماه اخیر را در لبنان نبخود ندیده بودند. این فقط بنیادگرای شیعه نیست که امروز پیرومند است، به ویژه هم‌چنین ک. گ. ب. نیز برنده است.

بیرون راندن غربیان از منطقه نفوذشان و همراه با آن، ایجاد عدم استقرار و امنیت در حوزه مدیریت از اهداف شوروی و یکی از دلایل جنگ یازده ساله لبنان است. (طبعاً) دلایل دیگری هم وجود دارد.

چهاراداسمی، بطوریکه سیاسی، جزئیات ای از ک. گ. ب. نیست. سوئ قندهایی که علیه گروه فرانسوی و آمریکایی ترتیب داده‌اند، جزئیات پشتیبانی سرویس‌های نیرومندا منیتی امکان پذیر نبود، که به تکرار، تمام سرویس‌های امنیتی سوریه، ایران و روس، به میان می‌آید...

به این جهت است که برای جانبداری و یا از مسیحیان لبنان اهمیت ندارد که مسیحی باشیم یا نه، اگر هنوز به ارزش‌های بنیادین دنیای غرب، دمکراسی، آزادی، مدارا جاسوسی و احترام به دیگران و به خود عقیده داریم، باید به یاری (اگر وقت گذشته باشد) مسیحیان لبنان برخیزیم...

غربیان هنوز بهای کامل بی‌غیرتی شان را نپرداخته‌اند. بدتر از این‌ها در راه است. اگر دمکراسی‌ها از تردید در نفس خود دست بردارند، تروریسم متوقف نمی‌شود. دنیای غرب باید این مطلب را درک کند که سیستم ارزش‌هایش احتمالاً بهترین نیست، اما کمتر بد است و همین امر ارزش دارد که بخاطر نجات این ارزش‌ها بجنگیم.

در برابر بحران لبنان باید حمایت‌های بی حساب مطبوعات غربی که این بحران را ناشی از جنگ شروتی‌مندان علیه فقرا، ترقی خواهان علیه فاشیست‌ها دانسته‌اند، سرگیجه آور است!

امروز دیگر هیچ کس - و این درست است - جرئت نمی‌کند اصطلاح "اسلام متزنی" را که در ۱۹۷۶ گل کرده بود بکار بگیرد. زیرا طابع غرب‌با این جنبش راه‌رکسی درک کرده است.

دلایل جنگ لبنان پیچیده، متعدد و دوپهلوست و این جهت در تجزیه‌ای منطقی نمی‌گنجد. با این حال می‌توان گفت که این فاجعه از هفت عامل اصلی برمی‌آید:

عدم ظرفیت "موروثی" لبنانی‌ها در قبول کمترین اجبار دولتی، وابستگی قدیمی همین لبنانی‌ها به ارزش‌های دینی شدلتیک، براندازی فلسطینی‌ها، سلطه فلسطینی سوریه‌ای (دمشق هرگز لبنان را بر رسمیت شناخته و سفارتخانه‌ای در بیروت نداشته است)، که شوروی‌ها از آن جانبداری می‌کنند، برآمدن بنیادگرای اسلامی، وسایل انگاری و ناتوانی دمکراسی‌ها...

روزنامه لوموند - ۲ ژوئیه ۸۶

درگیری‌های سوریه و ایران

هفتدها مدیویشن جاب یا رسیسی، در گزارشی بی‌امون مذاکرات شیران - باریس و آزادی دوکروگان فرانسوی در لبنان نوشت: بی نظمی‌ها و بی ترتیبی‌هایی که در آخرین لحظات آزادی قبلی روسو و وزیرها نس "دوکروگان فرانسوی اسیر در لبنان رخ داد، بطور خیره‌کننده نشانگر عمق اختلافات سوریه و رژیم جمهوری اسلامی و سرگردان‌ها بر سر قدرت و افزایش نفوذ در لبنان بود. سوریه می‌خواست به طریق سبب ثابت کند که در آزاد شدن دوکروگان نقش دارد و دمشق مرکز عبور آنهاست. تا خیر در آزاد شدن دوکروگان فرانسوی و اخبار رند و تقصیری که تا آخرین لحظات در آن باره منتشر می‌شود ناشی از همین نبردها قدرت و زور آزمایی رژیم‌های جمهوری اسلامی و سوریه بود.

لوسون در قسمت دیگری از این گزارش درباره مذاکرات شیران - باریس و شرایط جمهوری اسلامی برای بهیچ‌روا بی‌طرفانه می‌نویسد: اختلافات مالی دو کشور به حال قابل حل است. در این میان موضوع بسیار حساس تتری وجود دارد، رژیم جمهوری اسلامی همچنان خواهان آزادی تروریست‌هایی است که در تیرماه ۱۳۵۹ می‌خواستند شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به قتل برسانند.

پیش بینی آینده‌ی ایران

طبق گزارش آخرین شماره هفته‌نامه معتبر میدل ایست اکونومیک دا بجست مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۶، در یک اقدام بی سابقه مرکز بررسی خطرات و تحلیل اطلاعات ارتش ایالات متحده آمریکا از کارشناسان و پژوهشگران دعوت کرده است با شرکت در یک نوع مسابقه علمی، اوضاع ایران طی ۱۰ سال آینده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و تحولات اقتصادی، اجتماعی، نظامی و به ویژه سیاسی ایران را پیش بینی کنند. از کارشناسانی که در این مهم شرکت خواهند کرد همچنین دعوت خواهد شد خط مشی سیاسی داخلی و خارجی رژیم ایران را مطالعه و بررسی نمایند.

دولت ایالات متحده آمریکا از علاقه‌مندان مستقلی که خواهان شرکت در این مسابقه تحقیق علمی هستند - با ذکر نام و نشانی پستی - دعوت کرده است با ریچارد کال، یکی از مقامات وزارت دفاع آمریکا تماس بگیرند.

تعطیل شرکتهای امریکایی در لیبی

کلیه شرکت‌های امریکایی، فعالیتهای خود را در لیبی از دیروز به کلی قطع کردند.

وزارت امور خارجه آمریکا دیروز اعلام کرد شما می‌توانید شرکت‌های امریکایی همانطور که دولت آمریکا از آن‌ها خواسته بود، از روز دوشنبه ۳۰ ژوئن فعالیت‌های خود را در لیبی کاملاً قطع کرده و بدین ترتیب تحریم اقتصادی این کشور را تکمیل کردند.

"مایکل آرماگوست" معاون وزارت امور خارجه آمریکا در مورسیاسی، افزود: هدف اصلی آمریکا کاهش دادن هر چه بیشتر درآمدهای نفتی لیبی است و با قطع کامل فعالیت‌های شرکت‌های امریکایی ایالات متحده گامی دیگر در این راه برداشته است.

بنابر گزارش‌ها و ردهای کارشناسان امریکایی شرکت امریکایی که هنوز در لیبی کار اشتغال داشته‌اند قطع فعالیت‌های خود، سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار ضرر خواهند کرد. در مقابل درآمدهای نفتی لیبی با بدانداز ۱۱ میلیارد دلار به ۴ میلیارد دلار در سال جاری، سقوط کند. کاهش قیمت نفت نیز در سقوط درآمدهای نفتی لیبی موثر بوده است.

"مایکل آرماگوست" افزود: ایالات متحده مضمناً حد اکثر فشار را بر تریبولی حفظ کند و به سایر کشورها نیز برای در پیش گرفتن تصمیمات مشابه فشار وارد آورد.

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، یک مقام بلند پایه وزارت امور خارجه آمریکا که نخواهد نامش فاش شود گفت: امریکای طرحی را در دست بررسی دارد که بر طبق آن فرآوردده‌هایی که از نفت لیبی دریا لاینگ‌های اروپای غربی و شرقی تهیه می‌شود نیز مورد تحریم قرار گیرند.

خبرگزاری فرانسه

مصر

بازداشت قشریون

به گزارش روزنامه معتبر تایمز مالی چاپ لندن، دولت مصر ۳۷ تن دیگر از افراطیون مذهبی را به اتهام خرابکاری بازداشت کرده است.

سنوخته هفته‌نامه مصری "المصر"، چاپ قاهره، اتهام این ۳۷ نفر ایجاد حریق در وثاثر و چهار رمان زکرایه فیلم‌های ویدئو در هفته گذشته بوده است.

حسنی مبارکه رئیس جمهوری مصر، در مصاحبه‌ای با همین نشریه فاش ساخت که بازداشت‌شدگان اعضای باند غیر قانونی و منطه "آل جهاد" بوده‌اند که در قتل انور سادات، رئیس جمهوری سابق این کشور دست داشته‌اند.

تایمز مالی می‌افزاید: افراطیون مذهبی همچنین متهم به حمله علیه یک مقاله مواد خوراکی در مطبوعات نشین قاهره شده‌اند که در آن گوشت خوک و مشروبات الکلی بفروش می‌رسد.

اشترن فاش می‌کند:

قرار داد تازه فروش اسلحه اسرائیل به ایران

مجله اشترن، چاپ آلمان غربی، فاش کرد که پلیس فدرالی آلمان غربی و شاخه آن در استان باویر، یک معامله قاچاق اسلحه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی را در مونیخ کشف کرده‌اند.

اشترن می‌نویسد پلیس فدرالی آلمان غربی در تحقیق‌ها و پژوهش‌های خود در مونیخ، به وجود قرار دادی پی برد که میان سفارت جمهوری اسلامی در برن - نما بنده، دولت اسرائیل در مونیخ - تحویل مهمات توپخانه و جنگ افزار از سوی تل‌آویو به رژیم‌های متعقد شده است. مبلغ قرارداد به ۸۱ میلیون دلار سومی زنده و قرار داده سلاح از طریق یوگسلاوی به ایران حمل شود.

بر اساس گزارش اشترن، دولت اسرائیل می‌خواسته تا تک نیز به جمهوری اسلامی بفروشد.

اشترن می‌نویسد: دلایل این معامله قاچاق اسلحه یک اسرائیلی به نام "رون هارل" است که در مونیخ در تحقیق، تحت تعقیب بوده است. اشترن روشن نمی‌کند که آیا اسرائیلی بازداشت شده است یا نه. اما رابطه این دلال در آلمان غربی که یک آلمانی متولد اسرائیل به نام "هانری کمانه‌کی" است از روز اول فروردین گذشته در زندان به سر می‌برد.

تحویل اولین آواکس

پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، اعلام کرده که نخستین فرونده زینج فرونده هواپیمای مجهز به رادار "آواکس" که عربستان سعودی در سال ۱۹۸۱ به آمریکا سفارش داد، به ریاض تحویل داده شده است.

شا هزاده بندرین سلطان، سفیر عربستان در واشنگتن، چندی پیش نخستین آواکس سفارشی ریاض را در کارخانه بوئینگ در شهر سیاتل رسماً تحویل گرفت. آندکی پس از انجام مراسم تحویل، قرار بود خدمه نیروی هوایی آمریکا، این هواپیمای بسیار پیشرفته را به سوی عربستان به پرواز در آورند.

به گفته سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، چهار آواکس دیگر در مرداد، مه، آذر و اسفند ماه آینده تحویل عربستان خواهد شد.

هواپیمای آواکس، نوعی بوئینگ ۷۰۷ پیشرفته است که به آنتن رادار نیرومندی مجهز است و می‌تواند حرکات هواپیمایها، کشتی‌ها و حتی تانک‌ها و زره‌پوش‌ها را تا فاصله ۵۵۰ کیلومتری ردگیری کند.

از سوی دیگر، در ریاض، شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع عربستان خاطر نشان ساخت که آواکس‌های ساخت آمریکا طبق قرارداد که در سال ۱۹۸۱ با واشنگتن بسته شد، توسط خدمه سعودی هدایت خواهند شد و تکنیسین‌های سعودی، کار تعمیر و نگهداری آن‌ها را بر عهده خواهند گرفت.

عربستان سعودی هم‌اکنون پنج فرونده آواکس در اختیار دارد که دولت آمریکا پس از عقد قرارداد ۱۹۸۱ به آن اجازه داد.

این هواپیمایها به نیروی هوایی عربستان امکان داد که در روزهای نزدیک خوداد ۱۳۶۳ با یک اسکادران شکاری های جمهوری اسلامی که می‌خواستند چند نشست را در آب‌های داخل عربستان هدف بمباران قرار دهند مقابله کنند. در این درگیری هوایی، یک فرونده اف - ۴ جمهوری اسلامی ساقط شد.



فرهنگ ایران

عاشق بی قراره انایی

یازدهمین سال مرگ استاد محمد معین:

محمد جعفر محبوب



محمد معین

با نوزده سال پیش در روز سیزدهم تیرماه ۱۳۵۰ / ۴ ژوئیه ۱۹۷۱ پس از بیماری ریوی سخت دراز و خفتن نزدیک پنج سال در بستر نالایی و ناتوانی، دکتر محمد معین، نخستین دکتر زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران چشم جهان فرو بست و روانش در جهان مینویسی به روان پاکان و نیکان پیوست.

محمد معین در هفدهم رجب ۱۳۲۶ هجری ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ خورشیدی در خانواده ای که همگی اعضای آن عالمان دین بودند، در رشت دیده به دنیا گشود. پدرش شیخ ابوالقاسم نام داشت و در دوران کودکی وی نخست مادر و سپس ازینج روز پدرش در سال های جوانی در گذشتند و نیای پدری او، شیخ محمد تقی معین العلما که در سلگ روحانیان بود به تربیت وی همت گماشت. نسیبای مادرش شیخ محمد سعید نیز از علما و مدرسان دانش های دینی بود.

وی دوران ابتدایی را در دبستان اسلامی و دوره اول متوسطه را در دبیرستان شماره ۱ (که بعدها دبیرستان شاهپور خوانده شد) گذرانید. هنگام تحصیل در دوره اول متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خویش و سید مهدی رشت آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به خواندن و دانستن آتشی در جاننش برافروخت که تا دم مرگ فرو نماند. دوره دوم متوسطه را در دانش آموزان آذربایجان آورد و به سال ۱۳۱۰ در دانشکده ادبیات در رشته های ادب فارسی و فلسفه و علوم تربیتی نام نوشت و در ۱۳۱۳ در این دوره ششم لسانین گرفت و پس از طی دوران خدمت سربازی به هواز رفت و به دبیری دبیرستان شاهپور هواز منصوب شد و پس از سه ماه ریاست دانش سرای شبانه روزی هواز یافت و در همین حال به عضویت تحقیق اوقاف و ریاست پیشا هنگی و تربیت بدنی خوزستان رسید و در همین هنگام آرزوهای مکتبها را آموزشگاه روان شناسی بروکلین روان شناسی عملی و بعضی شعبه های دیگر این دانش را فرا گرفت.

دکتر عباسی صدیق که در دوران دانش جویی محمد معین ریاست دانش سرای عالی و دانشکده ادبیات را برعهده داشت در مجلسی که پس از درگذشت دکتر معین برای بزرگداشت او و در دانشکده ادبیات منعقد شده بود، گفت: محمد معین در تمام دوران تحصیل، مانند کسی که گم کرده ای داشته باشد و جستن آن لحظه ای او را نبارد و آسوده نگذارد، به دنبال گمشده خویش که همان مطالبه و کسب دانش و اطلاعات بیشتر بود می گشت و لحظه ای از این کار آرام نداشت.

پس از فراغ از تحصیل نیز معین همین روش را ادامه داد. وی لحظه ای از مطالعه و خواندن و نوشتن باز نمی ایستاد و هر شب تا نیمه شب با پای پیاده از آن همچنان سردگن و در فکر داشت چندان که در دوران بیماریش نیز در آن گواهی کرد که گفتم معین و ای بزرگوار فرزندان زنده به مرا شب از منزل فرا دعای همسال وی بیرون فرستاده تر شده است.

معین در خدمت فرهنگی خویش به سال ۱۳۱۸ به تهران انتقال یافت و معانت و سختی گشت اما در راه دانش سراها در وزارت فرهنگ (= وزارت آموزش و پرورش امروزی) را برعهده گرفت و نیز وزارت دوره دکتری زبان و ادب فارسی شد. پس از چندین با حفظ سمت، به دبیری دانشکده ادبیات نیز منصوب شد.

وی در روز سه شنبه ۱۷ شهریور سال ۱۳۲۱ / ۸ سبتمبر ۱۹۴۲ آذربایجان نامه دکتری خویش زیر عنوان مزدیسنا و تاء شیر آن در ادب فارسی دفاع کرد. این پایان نامه با تئید بسیار خوب پذیرفته شد و محمد معین به عنوان نخستین دکتر زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران شناخته شد و بی درنگ به سمت دانشیار روسپس استاد دگرس تحقیق در متون ادبی " در دانشکده ادبیات مشغول کار شد.

جلسه دفاع از رساله دکتری محمد معین بسیار باشکوه بود. استادان بزرگی مانند دانشوران ملک الشعراء بهار، بهمنیار، بدیع الزمان فروزان فر عضو زوری بودند و دانشوران پوردا و استاد را همنمای وی بود. همه استادان با لباس رسمی استادی و معین نیز با لباس دانش جویی در این جلسه باشکوه شرکت جستند. وزیر فرهنگ وقت، رجال دانش و ادب و تمام چهره های سرشناس فرهنگی در این مجلس فرا هم آمدند و معین در برابر آنان شایستگی خویش را برای دریافت این درجه با قیاد " بسیار خوب " آشکارا ساخت.

دکتر معین مردی کوچک اندام و نسیبنا " لاغر بود، گردن خود را راست می گرفت و شوق و ورق راه می رفت. در سراسر کلاس و در هنگام تدریس بیشتر قدم می زد و سخن می گفت. دانش جویان در نخستین ساعت های درس وی او را متود و خشک و تلخ، و احیاناً " قدری سخن و معنی می یافتند، اما به زودی احساس می کردند که این استاد مظلوم بسیار برای گفتن دارد که دانش جویان با هیچ یک از آن ها آشنا نیستند. وی از همان لحظه های نخستین با

طرح سؤال های کوچک و ظاهراً " پیش پا افتاده، برسدن معنی واژه هایی مانند آب و نان و پنخ و مانند آن ها، و موثقاتی در آن به دانشجو می آموخت که تحصیل در رشته زبان و ادب فارسی غیر از سخن گفتن بسیدین زبان است و برای سخن گفتن به فارسی اصلاً مدرسه رفتن ضروریست. کافی است که کسی در جامعه فارسی زبان به دنیا آید یا در آن بزرگ شود یا دست کم چند سالی را بگذراند.

دانشجویان، خاصه آنان که اهل درس و بحث و تحصیل و تحقیق بودند پس از مدتی قریب به یک ماه به روشنی درمی یافتند که در پس این قیافه خشک و خشن، چه دل مهربان، چه احساسات انسانی، چه اخلاق پاکیزه و چه ذوق سرشاری نهفته است. در حقیقت به گمان نویسنده این ستور، دکتر معین از آن کسانی بود که از پس خوب، از پس انسان و جوانان و مهربان و بزرگوار و کم آزار بلکه بی آزار و خشمگین گزارد، از این گونه مردم در نخستین دیدار او را شناسند و طبیعت و خلق و خویش را بدانند اندکی بیم داشت. می ترسید از این همه مهربانی و انسانیت سوء استفاده کنند و او را در محظور بگذارند. از این روی آن نقاب خشکی و جدی بودن را بر چهره می گذاشت تا روزی که حریف خود را شناسد، و چون می شناخت یک باره به مردی با ذوق، بگسو و بخند، تردماغ و اهل مزاح بدل می شد. وی از آموختن از هیچ کسی احساس ترسندگی نمی کرد. اگر می دید دانشجویی در موضوعی از او بیشتر اطلاع دارد به سادگی تمام او را به دست خود فراموشی می خواند. دربار آن موضوع از او پرسش می نمود و به تندی و آسانی یا در وقت کوچکی (فیض) می نوشت و به کناری می نهاد. سپس به گفتن و خندیدن یا بحث در اوضاع و احوال مسائل جاری روز می پرداخت.

دو خاطره دیگر نیز از وی دارم که با ذکر آن بی فایده نیست. نخست آن که وقتی به سال ۱۳۴۲ از رساله دکتری خویش زیر عنوان " سبک خراسانی در شعر فارسی " دفاع می کردم هیئت رسیدگی از پنجاه استاد ترکیب شده بودند که عبارت بودند از: دکتر حسین خطیبی استاد راهنما و رئیس جلسه، شادروانان دکتر محمد معین و سعید نفیسی و آقایان مدرس رضوی و دکتر سیدماق گوهرین اعضای هیئت، و گوای آن آخرین جلسه دفاعی بود که ازینج تن ترکیب می شد. از آن پس هیئت رسیدگی را به سه تن تقلیل دادند.

باری، پس از سخنی کوتاه از دکتر خطیبی در معرفی بنده و سپس خواندن خطابه دفاع، رئیس جلسه از استادان خواست که اگر سئوالی دارند، با بنا ع کنند در میان بگذارند. سه تن از استادان، سعید نفیسی مدرس رضوی و دکتر گوهرین گفتند سئوالی ندارند. نوبت به شادروان دکتر معین رسید. نخست جمله ای چند در باره زحماتی که دانشجو در تهیه رساله کشیده است گفت و سپس آغاز پرسش کرد. سئوال های متعدد، شاید ده سئوال یا بیشتر، یکی پس از دیگری طرح می شد. جلسه ای که گمان می رفت بیش از ده دقیقه طول نکشد بیش از دو ساعت ادامه یافت و من تقریباً " در تمام مسائل مربوط به رساله گزیر به پاسخ دادن و سخن گفتن شدم. سپس پایان نامه به تصویب رسید و مجلس تمام گشت. پس از پایان جلسه دکتر معین مرا پیشش خواند و گفت: معذرت می خواهم که این همه از سئوال کردم، او را بسیار گفتم. گفت علتش این بود که می دیدم تو در این کار بسیار زحمت کشیده ای و این همه آدم از دانشجو و استاد که در جلسه حاضر شده اند (و آن جلسه بسیار پرجمعیت بود) فقط حجم رساله را می بینند و چیزی از آن درک نمی کنند و زحمت تو را شناخته می مانند. این بود که خواستم حاضران بدانند چه اندازه در گزار خود رنج برده ای. روانشاد، که در هنگام پرسش نیز همان دقت نظر و موثقاتی کلاس درس را داشت.

خاطره دوم آن است که چند روزی پس از دفاع رساله ام، دانش سرای عالی مرا دعوت کرد که با درجه دانشیار (بدون طی چهار سال دوره استادیاری) در آن جا به خدمت بپردازم. من برای ترس های جوانی، و خاصه پیش خود خدمت در دانشگاه تهران را دوست نداشتم. از سوی دیگر خدمت در دانش سرای عالی فقط به صورت تمام وقت بود، در صورتی که در دانشگاه تهران آن وقت هنوز ممکن بود که معلمی به صورت نیمه وقت خدمت کند و من آن را ترجیح می دادم. در میان استادان با دکتر گوهرین از همه بیشتر آشنا و در حقیقت دوست نزدیک بودم. به مشورت نزد او رفتم. گفت: من در این مسائل زیاد دوا رد نیستم، و راست می گفت که جز به تدریس خویش به کاری نمی پرداخت. وی در ادامه سخنش گفت: اگر می خواهی با کسی مشورت کنی که هم بصیرت داشته باشد و برجستگیات را واقف باشد، و هم جز به خیر و صلاح تو سخن نکوید، نزد دکتر معین برو، و مردی است از آن ده که در مشورت جز خیر و صلاح طرف چیزی را در نظر نمی گیرد. نزد شادروان معین رفتم و گفتم

گفتگوی قلم ایران با رئیس حقوق سوسیالیست بشر

شاپور بختیار چون بسیاری از ما غربیان فریفته انقلاب اسلامی نشده

DROITS SOCIALISTES DE L'HOMME
Défendre et étendre les droits de l'homme et de la femme



چون استبداد دینی به توقیف رهبران حزب توده دست زد، دریا نشند که دچار اشتباه شده‌اند. مسلم است که چنین کسانی را جایی در میان آزادبخواهان نیست، زیرا آنان در حبس و شکنجه و تیرباران گروه‌کنیری از مخالفان رژیم آیت‌الله مستقیم و با غیرمستقیم دست داشتند و حال که آیت‌الله به خود آنها پرداخته بود اینان به یاد آزادی و دمکراسی و حقوق بشر افتاده بودند... سستی‌بانی و هواخواهی توده‌ای‌ها از حکومت دینی در نظر پیر برسی، این حزب و رهبران را در موضعی مشکوک قرار میدهد. اومی گوید:

"ما طرفدار حکومت‌های لائیک (غیردینی) هستیم. طرفداری از حکومت لائیک است که ما را به‌شایسته‌ترین و نزدیک‌ترین می‌کند. اگر حکومت لائیک وجود نداشته باشد، حقوق بشر موضوع پیدانمی‌کند، زیرا انسان‌ها در حکومت دینی بر این نیستند. آنان که جزو گروه دینی سلطه‌اند، بر بیرون دیگران برتری برتری خواهند داشت. در این باره ما بین بلا و بنی‌عصر و رجوعی گفتگوی بسیار داشته‌ام. من هرگز نمی‌توانم با یک جمهوری دینی موافق باشم. می‌بینید که ما و شاپور بختیار تا چه اندازه هم‌فکریم..."

در شرایطی که جنبش‌های قشری اسلامی اینجا و آنجا با لایمی گریه و آزار ترویسیم و خشونت و نقض حقوق بشر نتیجه می‌شود، رئیس حقوق سوسیالیست بشر نمی‌تواند نسبت به این رویدادها بی‌تفاوت باقی بماند. پیر برسی در این باره می‌گوید: "این گونه جنبش‌ها، و اسپرکرا و افراتی و ما "لا" ضد پیشرفت و ترقی و وسط حقوق بشر هستند. علاوه بر آن، تشریبون اسلامی ضد تمدن غرب و ارزش‌های غربی‌اند. دمکراسی‌های غربی که مبتنی بر کثرت‌گرایی‌اند، طبعاً "با گروهی از مردمان که می‌خواهند بنا بر اصولی تغییرناپذیر و متعلق به سده‌های پیش حکومت‌های دینی برپا کنند به مقابله فوری برمی‌خیزند. اما اگر کار به آنجا برسد که این گروهها در دشمنی با دمکراسی و تمدن غرب دست به عمل بزنند بدین است که ارزش‌های غربی به دفاع خواهند پرداخت. تا پوربختیارها به دمکراسی‌های غربی هتاهل شده‌است که اشتباه مونیخ را تکرار نکنند تا ناچار از تحمل جنگی خونین نشوند. با آنکه بختیار آن دوره برآمدن نازیم وسیله انگاری‌های دمکراسی‌های غربی را زندگی کرده‌است، اما من از آینده دمکراسی نمی‌ترسم. باید بخاطر این داشت که در سال‌های ۱۹۳۵ دمکراسی‌های غربی در سرتا سر تجربه و عمل بودند. هنوز قوام و استحکام نیافته بودند و هنوز قبیله‌گرایی اروپایی قرون وسطی زنده شده بود. اما امروز، این دمکراسی صاحب سنن و آداب و ضوابط مستحکمی است. دمکراسی‌ها ممکن است در برخورد با کج اندیشان و متمصبان صبر و حوصله بکار بگیرند، اما مطمئن باشید که این مآشات و ونداراجویی حد و مرز معینی دارد. اگر افراطیون اسلامی بگردد بر راستی در حد حمله به دمکراسی غربی برآیند، ما نیز برای دفاع از تمدن و ارزش‌های جامعه خود که بدست انقلاب‌ها و کوشش‌های چندین نسل مستقر شده‌است، اسلحه بدست خواهیم گرفت..."



پیر برسی، رئیس حقوق سوسیالیست بشر

حقیقت است که او پیشرفت و ترقی ایران را در برقراری آزادی می‌دانست و بخاطر این هدف از زندان و محرومیت‌ها نهراسید. پس از پیروزی استبداد دینی در ایران، بختیار با دیدگر، در بحبوحه با لاکیری جا زده انقلاب ایران در هرو، در برابر آیت‌الله قدعلم گرد و چون بسیاری از ما غربیان، تریب نخورد. بختیار یک سوسیال دمکرات و وفادار و متفقد است. ما و او بطور طبیعی در یک صف قرار داریم... پیر برسی به اقتضای مسئولیتش در حزب سوسیالیست فرانسه و به ویژه در زمان "حقوق سوسیالیست بشر"، با بسیاری از مخالفان و دشمنان لائیک، آسیای و آسیای جنوب شرقی در ارتباطی تنگاتنگ است. این روابط با مخالفان سیاسی دیکتاتوری‌ها طی چندسال به او و پیر برسی که از تفکیک فکری و سیاسی است، این فرصت را داده است که از این پس وفاداران صمیمی دمکراسی و حقوق بشر را در میان مخالفان و با مدعیان مخالفت با دیکتاتوری‌ها با زبانش تاجار تکرار اختیار هات نشوند. پیر برسی مورد حزب توده را مثال می‌زند و می‌گوید:

با آنکه حزب توده رهبری آن بارها با ما تماس گرفته‌اند. آن‌ها حکومت خمینی را فداستما رو خدا مبریا لیسیم توصیف می‌کردند، اما پس از مدتی،

با آنکه برای برابری نقض دایمی حقوق بشر بدست حکومت‌هاست که حقوق سوسیالیست بشر طی هشت سال عمر خود تظا هرات گوناگون برپا کرده است. هواداران حقوق سوسیالیست بشر سید هفت تنام هرتجشبه در برابر سفارت آژانتین علیه دیکتاتوری این کشور تظا هرات اعتراض آمیز برپا کرده‌اند که در این تظا هرات هنرمندان و برجستگانی چون ایوونونا، میشل بیکولی، گاترین دونو، سیمون سینبوره، آنالی و... شرکت جسته‌اند. سفارتخانه‌های کشورهای بی‌حقوق بشر بدست حکومتگران آن‌ها زیر پا گذاشته می‌شود. مورد اعتراض از زمان یافته حقوق سوسیالیست بشر قرار گرفته‌اند و این کوشش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که پیر برسی به عنوان رئیس این سازمان، در مورد مخالفان سیاسی برخی از دیکتاتوری‌ها نیز به تجدید نظر هم می‌دست زده است. مورد ایران مثال جالبی است. پیر برسی می‌گوید: "من با آقای مستور رجوی و سازمان وی رابطه‌ای نزدیک دارم. شخص رجوی بارها در جلسات و مناظرات ما شرکت کرده است. اما چندسال اقامت وی در فرانسه و عملکرد سازمان مجاهدین ما را به تجدید نظر اساسی در باره رجوی واداشته است. رجوی می‌خواهد بیک حکومت اسلامی دیگر در ایران برپا کند و هر حکومت دینی در ذات خود دیکتاتور است. یک حکومت دینی، لاجرم بیرون ادیان دیگر را بعنوان مخالف خود می‌انگارد و نقض آزادی‌ها را زمین جای آغاز می‌شود. آقای رجوی در بحث‌های ما که در تقسیم می‌گفت قبیله "اسلامی" برای جمهوری دمکراتیک، عملی تاکتیکی است. در رویا رویی با خمینی تا چاریم به اسلام دست بیاوریم. این، خود نیرنگ بازی سیاسی است. رهبری که با ملت خودنیرنگ می‌بازد پس از به قدرت رسیدن به هر کاری می‌تواند دست زند.

آقای رجوی یکسال و چند ماه پیش بمن گفته بود که به عراقی خواهد رفت و این عمل او یک خودکشی تمام عیار سیاسی است. اگرچه ما به دولت فرانسه برای کسبل رجوی به بغداد اعتراف کرده‌ایم، اما حقیقت آنست که او از ما هم پیمیش آماده این سفر می‌شد.

با آنکه بنی مدرنیزه‌ترین گفتگوها را داشتیم. اگر بنی حکومت بر "لائیکسیت" نباشد حکومت الله مورد نظر قرار گیرد. تالی فاسد آن دانستیم مردم می‌شود، حقوق سوسیالیست بشر مدعیان مخالفت با دیکتاتوری‌ها را از رزیا بی می‌کند. تجربه به ما آموخته است که رهبران سیاسی در تبعید همواره از آزادی و دمکراسی دم می‌زنند اما مورد رجوی آنکارتر از آن بود که مدت طولانی در اشتباه بمانیم. گیش شخصیت پرستی، افسانه ازدواج‌هایش که آن را با سرنوشت تاریخی ملت ایران درمی‌آمیخت و عدم تحمل مخالفان سیاسی جای تردیدی باقی نگذاشت که وی با میانی آزادی و دمکراسی و حقوق بشر بیگانه است... تجربه، مخالفان سیاسی خمینی در فرانسه، پیر برسی و گروهی از رهبران حزب سوسیالیست فرانسه را به دوباره نگری بر رهبران سیاسی مخالف رژیم استبداد دینی واداشته است. پیر برسی در این باره فاش می‌گوید:

"ما با شاپور بختیار خوبان وندی‌های فکری و عقیدتی بسیار داریم. این رهبر سیاسی در طول دهه‌های زندگی خویش به آرمان‌های آزادبخواهانه دمکراسی وفادار مانده است. نگاه به سرفصل‌های مهم فعالیت‌های سیاسی بختیار در دیکتاتوری شاه گویای این

فرانسویان در موضوع حقوق بشر از زمان نیمی برند که در ماه اوت ۱۷۸۹ منسبتی تاریخی به تصویب مجلس ملی این کشور رسید که اگر آن را سندی به گذاری حقوق بشر در دنیا می‌تواند، گزاره‌ای در میان نیست. صد و پنجاه و نه سال بعد - به سال ۱۹۴۸ - اجلاس عمومی ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر را تصویب کرده که امروز همه اعضای این سازمان بین المللی از امضا کنندگان این اعلامیه‌اند.

با این حال از سال ۱۹۷۸، گروهی از تخیکان فرانسوی به بنی بنیاد "حقوق سوسیالیست بشر" برخاسته‌اند که رئیس آن، آقای "پیر برسی" در باره این سازمان چنین می‌گوید:

"سند تاریخی ۱۷۸۹ پارلمان فرانسه و اعلامیه ۱۹۴۸ بطور مطلق ناظر بر حقوق بشرند. این دو سند که یکی در اوایل قرن هیجدهم و دیگری در نیمه اول قرن بیستم تهیه شده‌اند، جوابگوی تحولات و تغییرات روزین در موضوع حقوق بشر نیستند. اصول اساسی هستند، آزادی بیان، آزادی سفر، آزادی انتخاب محل اقامت و آزادی افکار و عقاید... د سیاسی، مذهبی، قومی و... را در بر می‌گیرد. هر دو سند شکنجه و جنس و نفی بند انسان‌ها را بخاطر عقایدات سیاسی مذهبی و قومی محکوم میکنند. اگر می‌گوئیم که این دو متن با تحولات امروز هم‌آهنگ نیستند، فراموش نمی‌کنیم که صدور این دو اعلامیه در شرایطی رسمی فضیلت و آزادی انسانی، واقع‌های بزرگ در جامعه بشری بوده است. با این حال، امروز حقوق بشر گسترده‌تری و بزرگ‌تری طلب می‌کند: حق فرهنگ، حق دفاع از محیط زیست، حق فرد و طسرد رژیم‌ها را خودکامه که دشمن حقوق بشرند، حق نام محدود ابداع و ابتکار در زمینه‌های گوناگون درقیات، اگرچه گاه این حق ابتکار با یک هم‌ا و مسلک‌ها و مکتب‌های جا افتاده و جاکسم تناقض داشته باشد و حقوق دیگر... که از اقتضا‌های زمانه ما است."

پیر برسی، در این مورد، رژیم‌های حکومتی را مثال می‌زند و می‌گوید: "نظام پادشاهی دمکرات و یا جمهوری‌های آزاد، شیوه‌های مناسبی برای حکومت‌اند، اما در این نظام‌ها حقوق بشر و دمکراسی سیاسی و اقتصادی تمام و کمال مورد توجه و عنایت قرار نمی‌گیرد... بی عدالتی‌های ناشی از قدرت پول و تسلط گروه‌های متنفذ سیاسی و اقتصادی در به روی شکوفایی آزادی و عدالت اجتماعی فراموشی بنده، در چنین صورتی است که ما سوسیالیست‌ها به همه آزاده‌گان و سوسیال دمکرات‌ها درس از سر دنیا، بخاطر بسط و گسترش فکر عدالت خواهی، تساو و حفظ و توسعه حقوق بشر می‌کوشیم. در این راه تنها نیستیم. مردان صاحب فضیلتی که استحکام و پیشرفت جامعه بشری را در برقراری اصول عدالت اجتماعی می‌دانند در همه جای دنیا با ما همراهند. سوسیال دمکرات‌هایی چون شاپور بختیار ایرانی، همراهِ با فرزندانگی از چهار رسوی جهان، حقوق سوسیالیست بشر را تأکید می‌کنند، زیرا ضرورت گسترش حقوق بشر در مقابل عدالتی‌ها امری تردیدناپذیر است. در راه برقراری عدالت اجتماعی و بسط و توسعه حقوق بشر این فرزندانگی که نقش عمده‌ای ایفاء می‌کنند."

پیر برسی، رئیس سازمان حقوق سوسیالیست بشر تا کید می‌کند که امروز در جهان ما حقوق بشر در کشورهای بسیاری زیر سلطه نظام‌های گوناگون نقض می‌شود. شکنجه و زندان و تیرباران انسان‌ها بخاطر عقاید سیاسی، دینی و قومی بطریقی تاه سف‌آور برقرار است.

بقیه از صفحه

عاشق

بی قرار

دانایی

آثار دگرگشتی بسیار است: مزدینا و ادب‌سارسی (رساله دکتر) - حافظ شیرین سخن - چند جزوه در دستور زبان فارسی (قاعده‌های جمع، اسم مصدر - حاصل مصدر، اضافه - شماره - هفت و هفت بیگسر - تمحیح دانش‌نامه - علاقی - چهار مقاله در نظ می‌عروسی - جامع‌الکمشین - مجموعه اشعار استاد دهخدا - شرح قصیده ابوالهیثم - برهان قاطع با حواشی و تعلیقات فراوان و بسیار مفید و نیز مقاله‌ها و آثار روسخ رانی‌های بسیار که شرح آن‌ها در این گفتار نمی‌گنجد. یکی از شاه کلمات اساسی وی فرهنگ معروف معین در شرح جلد است که تاکنون پنج بار به طبع رسیده است. جاب اول آن در ۱۳۴۳/ ۱۹۶۴ صورت گرفته است. معین از میان زبان‌های اروپایی فرانسوی و انگلیسی را نیک می‌دانست و بدین دوزبان سخن می‌گفت. وی بارها به دعوت دانشگاه‌های شرق و غرب (اروپا - آمریکا - شوروی) رهسپار آن کشورها شده و سخن رانی‌ها کرده و خطابه‌ها خوانده و تحقیق‌ها داشته و کتاب جامع‌الکمشین تا مرخصی و تحقیق‌ها نخستین بار توسط هانری کوربن و دکتر میسین، با توضیحات و تعلیقات به زبان‌های فارسی و فرانسوی از سوی انجمن ایران و فرانسه طبع و نشر شد و به در یافت جایزه از فرهنگستان فرانسه تا بیل آمد.

نامه‌ها و نوشته‌ها

چاپ تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای متعین کردن نظریات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست. با در نظر گرفتن سبک و محتوا و نوشتن نامی خوانندگان لزوماً به معنای موافقت و عدم موافقت با مواضع و عقاید آنها نیست. این مجله در حفظ نام و آرا نویسندگان عقاید گوناگون و سبک‌های مختلف آزاد است. از نویسندگان نامه‌ها تقاضای کمی نام نوشتن خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا در نوشته‌ها نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن هتک به اشخاص و گروهها، هتک حرمت شود و بی‌احترامی به بزرگواران قلم ملحوظ نگردد، معذوریم.

شریعتمداری و شورش تبریز

مقاله‌ای که در باره رهبر آقاي شریعتمداری در قیام ایران به چاپ رسید تا سف برانگیز بود. مگر قرا موش کرده بیدکه شورش از زمان یافته پیش از انقلاب در تبریز روی داد و طرفداران آقاي شریعتمداری در زمان نخست وزیری آقاي جمشید آموزگار، طی یک روز ۷۵ بانک و چندین سینما و مغازه را در آن شهر به آتش کشیدند و ویران کردند؟ همه میدانیم که در شورش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز آقاي شریعتمداری با خمینی همراهی کرد و به روایت بسیاری از گواهان، گنا کار بزرگ یعنی خمینی را از مجازات نجات داد و با وساطت نزد شاه او را زندان آزاد کرد. مسلم است که در رژیم پیشین اشتباهات فاحشی روی می داد که پادشاه خود به آن اعتراف کرد اما دیرینه بود و کسانیکه چون شریعتمداری ها بنزین بر سر اسر خاک وطن ریخته و کبریت کیده بودند اگر دکترا تا پورختیار بیخ از شریف امامی برس کار می آمد نه تنها وضع ایران به اینجا نمی کشید بلکه در این مدت می توانست در تجربه دموکراسی و آزادی قدم‌های بلند بردارد و حکومت قانون برای همیشه مستقر شود... غرض آنست که در نشریه متین قیام ایران، دنبال احساسات زودگذر و زودگذر و کسانیکه را که هرگز برای وطن قدمی برداشته و در مواقع خلیف بر مایه می بردم برخاسته اند، بزرگ نکنید.

با احترام - آلمان - ب - ح

شریعتمداری، عالم دین

در نشریه قیام ایران شماره ۳۱ مسلسل ۱۵۶ نامه‌ای تحت عنوان (نریبکاری) به چاپ رسیده که در آن نامی که به مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقاي شریعتمداری (دام برکات) اشاره شده است بی احترامی شده است. ما ابتدا به نویسنده نامه عرض میکنیم اولاً آقاي شریعتمداری یک عالم دینی و یک راهنمای مسلمانان بوده و همیشه مقلدین خود را به درست اجرا کردن قوانین دین اسلام و کمک به برادران و خواهران دیگر دعوت و هدایت کرده است و همواره با احترام گذاردن به دین اسلام از آن پاسداری می کرد و از ریخته شدن خون مردم به دست همدیگر مخالفت می کرد و شمشاد در مقابل اعمال زورگویی فساد و ظلم خاندان پهلوی و رژیم ضد انسانی و فساد اسلامی خمینی ایستادگی کردند. زمانی که در ایران همه گروهها به خمینی لبیک گفتند (مجا همدین - چریکهای فدایی - توده‌ای ها - جبهه ملی ها و...) و او را پدر پیر لقب دادند، آقاي شریعتمداری بود که مردم را بر فتنه خمینی آگاه می ساخت و به دنبال ایشان حزب خلق مسلمان بود که در آذربایجان به کمک با دشمن گرامی و روحشان شاد باد.

سوئیس - بیرون راه خلق مسلمان اهالی آذربایجان - سید خسرو را لانی

دشواریهایی پناهندگان ایرانی

من یک پناهنده ایرانی در کشور جمهوری فدرال آلمان در استان باویر هستم و مدت ۱۶ ماه مواجه با سختی ها و مشکلات فراوانی در این قسمت از کشور آلمان بودم و هستم. بعنوان یک ایرانی و پناهنده ساکن باویر تمام ایرانیان پناهنده ساکن باویر لازم دیدم نکاتی را به عرض هموطنان عزیز در ایالت ها و کشورهای دیگر برسانم.

مشکلات ما در اینجا به آن حد زیاد است که هدف اصلی را در مبارزه با رژیم خودکامه خمینی فراموش کرده و تمام وقتمان صرف حل این دشواری ها میشود. نمونه‌هایی از این مشکلات را میسر:

- ۱ - زندگی در اقامتگاههای شلوغ و کثیف و برخورد های شدید ملیتی ما بین عربها و سری لانکائی ها ، هندی ها و پاکستانی ها ، غنائی ها و...
- ۲ - بیماریهای مزمن و مسری مانند سل و بیماری های عصی که مانند سرما خوردگی و گریپا شده و تقریباً همه به آن مبتلا هستند که در چند مورد از شدت و خاستگاری بیماران روانی کشید.
- ۳ - زندگی در میان انواع حشرات ، بشته سوک در یک کشور پیشرفته صنعتی!
- ۴ - هزینه غذا به قیمت ۲۵ مارک در هفته که این مقدار یک چهارم مقدار اصلی برای بیکاران آلمانی است کمبود و بیسامین ، کالری و پروتئین و انواع بیماریهای پوستی و ریزش مو
- ۵ - ۱۲ مارک پول توجیبی در ماه برای تهیه صابون ، تلفن و غیره - بدون اجازه کار خروج از محدوده شهر.
- ۶ - رفتار خشن مسئولان شهر بسا پناهندگان سیاسی
- ۷ - نداشتن اجازه تحصیل و حتی یاد گرفتن زبان آلمانی
- ۸ - پایداری شدن غرور و وحش ملی که از همه دشواری های معمولی در این اردوگاههای تربیتی خردکننده تر است.

چندین بار به مسئولان شهر پیشنه‌ها دادیم که ما اجازه کار بدهند که در آن صورت هیچگونه پول و کمک لازم نداریم، در جواب به ما گفتند:

شما ها پناهنده هستید نه بیشتر : یک خفه شوید موه دیانه بعد از تمام تلاش ها برای پیدا کردن یک راه حل مشکلات خود را با شما بندگان نهفت در استان باویر در میان گذاشتیم ولی متأسفانه به خاطر نداشتن قدرت اجرایی در یک کشوری که این راه را هم بسته دیدیم ولی هیچ وقت کمک های نهفت در این باره از پادمان نخواهد رفت. و در آخر به این فکرات دیدیم که با درج مشکلات ایرانیان در این منطقه در روزنامه قیام ایران، تمام هموطنان ایرانی و بیرون دوستان عزیز را از این بی‌تأکاه سازیم. در باره تمام موارد بالا مدارک کافی موجود می باشد که در صورت لزوم با همکاری نهفت متا و مت ملی آن ها را ارائه خواهیم داد. به امید پیروزی - ایران هرگز نخواهد مرد.

س - تکاور

نامه نویسی با دست چپ

من هم مانند بسیاری دیگر از هموطنان چند سالی است که ترک وطن کرده ام و در غربت بسر می برم و در تمام این مدت سعی کرده ام که همیشه در جریان اخبار و اتفاقات مربوط به کشورم قرار بگیرم. البته ، کیهانی هم بطور جسته و گریخته در جریان مطالعاتی درباره اعدا م های بدون محاکمه و غیر قانونی و تجاوز پاسداران انقلاب به جان و مال و ناموس مردم و سنگسار کردن هموطنانم قرار گرفته بودم، ولی این "حوادث" برای محکوم کردن رژیم اسلامی بنظر من کافی نمی رسید. تا اینکه ، شبی چاپ خبر دزدی سفیر جمهوری اسلامی در دوتیوت و چاپ مقاله نویسنده چپ سره دست آقاي ح - مشکان در شماره اخیر، ما را از اعمال غیر انسانی مقامات این رژیم با خبر ساختید و حالا من هم مانند ح - مشکان مخالف این آخوندهای دزد شده ام. در پایان از بدخط بودن نامه ام بی نهایت عذرمی خواهم . علتش این است که اجباراً این نامه را با دست چپ نوشتم ، یعنی تنها دستی که برابیم باقی مانده . دست راستم را پاسداران انقلاب اسلامی از کار انداخته اند.

مصن سهرابی

تجربه دموکراسی

نوشته‌اید "تجربه احزاب حداقل در اکثر اوقات نتایج منفی داشته است" سوال مقابله این است که اگر مالیت را به دموکراسی می دهیم ، به چه چیزی می توانیم ، برای "حزب" پیمانده و حداقلی و حداقل شویم دموکراسی را باید آغاز و تجربه کرد و مشکلات آن را تا ب آورد ، بدیهی است ، در سیرز مسلمان هوش حزب سازی خاموش خواهد شد و احزاب واقعی و پربیننده جای خود را باز خواهند کرد.

همچنان بر آنچه در آن مقاله در ارتباط با عقاید مدعی آئینه بود تا کی می کشیم که "دکتر مددی گرچه خود حزب ساز نبود" ولی به ترکیب جبهه ملی ، بنا بر اجتماع احزاب ملی یا فاشیاری داشت و این را حتی در نامه های خطاب به دانشجویان تصریح کرده است. و این هیچ منافاتی با نظر صحیح شما ندارد که نوشته‌اید "مددی مایل به تبدیل جبهه ملی به یک حزب نبود" در ادامه یادآوری می شود که میدان دادن به رویش احزاب ملی همانگونه که حتی از ظاهر جمله پیداست ، هیچ سختی با سیستم یک حزبی و یا حزب فراگیر ندارد که بسی ازمیثیت های امروز شمر اینگونه او امر و "هوس" ها است.

آقای میرفندرسکی و

اسرار گوادولوپ

در شماره گذشته شرحی در قیام ایران به عنوان معرفی کتاب "اعترافات ژنرال" که چاپ جدید کتاب "حقایق دربارہ بحران ایران" نوشته ارتشبدتیره باغی بود ، درج کرده بودید. به این مناسبت من دوباره کتاب ارتشبد را مروری کردم، مشکلی که دو سال پیش هنگام خواندن کتاب داشتم بیابا دم آمد. آن را با شما مطرح می سازم شاید بتوانید به حل آن کمک کنید.

ارتشبدتیره باغی در صفحه ۲۸۰ کتاب خود در توضیح یکی از جلسات شورای امنیت ملی که در بهمن ماه ۱۳۵۷ تشکیل شده بود ، می نویسد: "در پایان مذاکرات همین جلسه آقاي احمد میرفندرسکی وزیر امور خارجه گزارش جریان گفتارهای گوادولوپ را به شورا ارائه و آن را قرائت کرد، منظور این بود که به اعضای شورای امنیت ملی نشان بدهد تصمیم خروج علیحضرت از ایران ، در گوادولوپ با توافق چهار دولت آمریکا ، انگلیس ، فرانسه و آلمان اتخاذ شده و بازگشتی در میان نیست"

با توجه به اینکه آن موقع من در اروپا بودم و با علاقه تمام خبرهای جاری را دنبال می کردم و چنین گزارشی در باره گفتارهای گوادولوپ در هیچ یک از روزنامه‌ها و نشریات منظر نشد ، می خواهم از آقاي احمد میرفندرسکی که اکنون بسا روزنامه‌ها هم شما همگاری دارد سوال کنم ، اظهارات ارتشبدتیره باغی در این مورد تا چه حد صحت دارد و اگر صحت دارد ، اسرار گفتارهای گوادولوپ را چه طور می بینید؟

با امتنان و احترام سعید رهنما

هموطن عزیز که ترجمه داده است نام من محفوظ بماند طی نامه‌ای خطاب به آقای هادی بهزاد نویسنده گرامی قیام ایران، مقاله "احزاب ملی، پیشنهاد حاکمیت ملی" این نویسنده را که در شماره های ۱۴۸ و ۱۴۹ به چاپ رسیده است موضوع بحث و پرسش‌هایی قرار داده است. در زیر پاسخ آقای هادی بهزاد را به این خواننده و هموطن گرامی می‌خوانید:

آقای د. ت (کانادا)

پیشاپیش از توجیهی که به نوشته بنده زیر عنوان "احزاب ملی پیشنهاد حاکمیت ملی" داشته‌اید تشکر می‌کنم. چند توضیح و چند سوال مطرح کرده‌اید که باختصار به یکایک آن‌ها پاسخ می‌گویم. - با یاد از این نکته که در مقاله اشاره‌ای به کوشش برای "انتخابی شدن مراجع نهفت متا و مت ملی ایران" شده و نیز اینکه آمده است که "نهفت متا و مت ملی ایران حزب نیست" ،

"آیا قبول نمی‌کنید که مادام که در فضای دموکراسی برای انتخاب شدن جبهه می‌کشیم، لازم است که تمام و ملوک و حتی سیاست‌پیشانی خود را در تمام شئون مختلف مورکنوری چه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی به کسانی که رأی خواهند داد اعلام کنید؟ تا چه رسد به عده‌ای که به مقوف خود دعوت می‌کنند؟

پاسخ: دقیقاً "نظر شما را در یافت نکردم. اگر مقصودتان این است که به دلیل حزبی نبودن ساختار نهفت و عدم اعلام یک ایدئولوژی" خاص انتخابی بودن ارگان‌ها مفهومی پیدا نمی‌کند، پاسخ اینست که هیچ قاعده‌ای در میان نیست که سازمانی مانند "نهفت متا و مت ملی ایران" که در برگیرنده عناصر ملی و غیروایسته (اعمال زورگویی و افراد) است و دستیابی به حاکمیت ملی و دموکراسی را وجهی همت خود ساخته است - نتواند، ارگان‌های خود را به سوی انتخابی شدن سوق دهد. - و جدای هیأت اجرائی - تشکیلات و تبلیغات و سایر ارگان‌های نهفت هم اکنون با انتخاب مستقیم (شورای مرکزی) پدید آمده اند و هیچ اشکالی هم در میان نبوده است.

بدیهی است در نهفت متا و مت ملی ایران که تلاش بخاطر استقرار حاکمیت ملی دموکراسی را هدف اصلی خود ساخته است ، (که طبقاً "دفع بزرگترین مانع یعنی رژیم حاکم جزئی از این هدف خواهد بود) مکانی برای حضور عناصر و گروه‌های ضد دموکراسی (فاشیست‌ها ، کمونیست‌های وابسته و بطور کلی حامیان افکار ضد آزادی و ایدئولوژی های ضد دموکراسی) وجود نخواهد داشت. ... تشخیص اینگونه عناصر و گروه‌ها ، ولو آنکه امروز مطابق نرخ روز خسود را دمکرات و ملی و ملی گرا بخوانند ، آسان است. برای نمونه مجاهدین که سال‌ها در زیر علم "حکومت مذهبی و اسلام راستین" سینه زده و امام تاسین دندان ضد ملی راستی را بر دوش کرده اند ، حتی اگر امروز از "ملت و ممدق" و "نهفت ملی" بگویند ، تکلیفشان روشن است و تنها منزشوئی ندگانه که این بیخ و خم‌ها را درک نمی‌کنند و بهر جا که رانده شوند ، سر می‌گذارند.

۴ - سمت بانک

موضوع دیگری که موجب شکست مذاکرات با بانک شد اختلاف نظر نسبت به این مسئله بود که اساساً بانک به چه سمت مداخله خواهد کرد. دولت ایران اصطلاحاً می‌ورزید در این که بانک باید بعنوان عامل یا وکیل یا نماینده دولت ایران عمل کند و در برابر داد مربوطه باید تصریح شود که بانک "از طرف دولت ایران" عمل خواهد کرد. ولی بانک چنین استدلال می‌کرد که کشورهای عضو بانک بر طبق اساسنامه آن مؤسسه متساوی الحقوق هستند و بانک نمی‌تواند سمتی اجرا کند که مسووم جا نگیرد از یک عضو در برابر عضو دیگر باشد و توضیح می‌داد که البته تا حدی که عمل بانک به نفع ایران باشد بانک عامل ایران خواهد بود. ولی عیناً همین وضع را در برابر انگلستان نیز دارد. بنا بر این بانک اظهار می‌کرد که نمی‌تواند اعتباراتی را که حاکی از شناسائی وضع حقوقی یکی از اعضای خود و نگرار وضع حقوقی دیگری از اعضای خود باشد قبول نماید. این استدلال کاملاً درست بود و مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد دکتر مصدق و بعضی از مشاوران دولت آن را تصدیق می‌کردند ولی بالاخره به نظریاتی از مشاوران (۱) که تصریح عبارت "از طرف دولت ایران" را لازم می‌شمرد تسلیم شدند. اما سئوالاتی که باقی می‌ماند اینست که آیا بر فرض این اشکال رفع شده بود اشکالات مربوط به سایر شرایط پیشنهادی بانک نیز رفع می‌شد. با توجه به آنچه در بالا گفته شد واضح خواهد بود که چنین نیست و بنا بر این نمی‌توان (چنانکه بعضی چنین نتیجه گیری کرده‌اند) اشکال مربوط به سمت بانک را تنها علت رد پیشنهاد بانک دانست. عیب اساسی پیشنهاد بانک بدون تردید این بود که در حقیقت با اظهار بی طرفی بانک وقت نمی‌داد چون خواسته‌های دولت انگلیس را در بر می‌گرفت بی آنکه نظریات ایران را منعکس کند. علت این تمایل بانک به یک سمت نیز واضح است. به این معنی که انگلستان تا همین نظریات خود را شرط موافقت با مذاکره با بانک قرار داده بود و بانک عملاً خواسته انگلستان را در برابر برایتانگه کلیه نفت تولیدی ایران را به نفعی که شرکت می‌خواست به آن شرکت تحویل دهد پذیرفته بود. از طرفی شرکت نفت انگلیس تا همین شرط ضرورت داشت چون شرکت مزبور در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) قرار دادی با شرکت های استاندارد نیوجرسی و سوکونی موبیل منعقد نمود که به موجب آن از سال ۱۹۵۲ (سال بعد از ملی شدن نفت ایران) در ظرف بیست سال ۸۵۰ میلیون بشکه نفت خام به شرکت نیوجرسی و ۵۰۰ میلیون بشکه به شرکت سوکونی تحویل دهد و با قرار رسیدن تاریخ شروع این معامله کمال عجله را داشت که از نفت ایران استفاده کنند. واضح ترین دلیل نا موجه بودن دعوی بی طرفی بانک این بود که قصد داشت تمام نفت ایران را به بانک سابق تحویل دهد ولی موافقت نمی‌کرد که دولت ایران بتواند خود کمترین مقدار نفت خود را آزادانه بفروشد.

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۳۰ اعلامیه مشترکی از طرف دولت و نمایندگان بانک به این مضمون صادر شد که هر چند در بعضی نکات موافقت هائی حاصل شده ولی در چند مورد مهم اختلاف نظر باقی است. بنا بر این نمایندگان بانک به وراثتگن بر می‌گردند تا چنانچه بعداً "زمینه‌ای برای حصول توافق پیدا شود به ایران مراجعه کنند. اما نمایندگان مزبور در مراجعت به وراثتگن گزارش دادند که سخت گیری های دولت ایران مانع از آنست که بانک بتواند در حل مسئله نفت مداخله کند.

فواد روحانی

۳۱

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

استعفای دکتر مصدق

دکتر مصدق در تاریخ ۲۹ اسفند ضمن نطقی که به مناسبت تحویل سال خطاب به ملت ایراد نمود اشاره به رد پیشنهاد های بانک کرد و در توجیه تصمیم خود گفت: "نخواستیم لکنه تنگ به دامن خود و شما بگذاریم". همچنین روز ۲۳ فروردین ۱۳۳۱ در جلسه معارفه‌ای که برای نمایندگان مجلس هفدهم ترتیب داده شده بود ضمن اشاره به اشکالات حل مسئله نفت گفت: "راهی که ما را به جهنم می‌برد یعنی ما را از حفظ استقلال و حیثیت ملی خود دور می‌کند پیشنهاد های دولت آمریکا پس از اطلاع از عدم پیشرفت مذاکرات در مورد برآمدگی ما" بوس کردن دولت ایران از کمک مالی آمریکا زمینه‌ساز می‌باشد برای تجدید مذاکره با بانک و فراهم کردن طای اعلامیه‌ای که وزارت امور خارجه آمریکا روز ۴ فروردین ۱۳۳۱ منتشر کرد چنین گفت: "دولت ایران چندبار رکتبا" و شفاها" از کشورهای متحده آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع عواید نفت را حل کند... دولت آمریکا نمی‌تواند تمام کمک‌های ایران را مقصور است درآمد شایسته‌ای از صنعت نفت خود بدون زیان وارد آوردن به تعاملات ملی خویش بدست آورد، این نوع کمک را موجه سازد... آمریکا همواره برای این عقیده بوده است که حل قرضیه نفت ایران به نحوی که منافع شروع ایران و انگلیس محفوظ بماند... امکان پذیر می‌باشد. ما معتقدیم که پیشنهاد بانک بین المللی برای کمک به این موضوع فرصت مناسبی را برای رسیدن به مقصود مذکور فراهم آورده است. گویا که حل این قرضیه بطور موقت صورت بگیرد همچنین امیدواریم که فورمولی پیدا شود که برای طرفین قابل قبول باشد. اما انتشار این اعلامیه موجب تحیری در تصمیم دولت ایران نگردید. دولت در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۳۱ جوابی به اعلامیه بالا منتشر کرد و ضمن آن در مورد پیشنهاد بانک چنین گفت: "دولت ایران کرا را" حسن نیت خود را برای پی بردن راه حل عادلانه که مطابق تعاملات ملت ایران یعنی در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت باشد نشان

داده است و هرگاه بانک بین المللی راه حلی پیشنهاد نماید که با تعاملات ملت ایران مغایرت نداشته باشد دولت ایران با کمال میل در پیشرفت آن همکاری خواهد کرد. اما بانک به علت موقعیت انحصاری نا پذیر طرفین و مخصوصاً دولت انگلیس نمی‌توانست پیشنهاد های خود را بطرز موهومی تعدیل کند و بنا بر این مسئله مداخله بانک بین المللی با صدور اعلامیه‌ای از طرف بانک در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۳۱ به این مضمون گسه بعد از اعلامیه مشترک مورخ ۲۴ اسفند پیشرفتی حاصل نشده است که موجب تجدید مذاکرات شود یا تمهیداتی

فوت پنج ماهه

فاصله بین رد پیشنهاد بانک و طرح پیشنهاد بعدی دوره پرحادثه‌ای بود. شرح رویدادهای آن مدت در بخش‌های دیگر خواهد آمد. اینجا به شکل فهرست به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

تعمیب دادخواستی که دولت انگلیس در خرداد ۱۳۳۰ به دیوان دادگستری بین المللی تسلیم کرده بود، تکمیل تشریفات تبادل گواهی، مسافرت دکتر مصدق به لاهور برای جواز بگوشی به دادخواست، طرح موضوع در دیوان و صدور رأی دیوان به نفع ایران ۳۱ تیر ۱۳۳۱.

رجوع شرکت سابق به رئیس دیوان دادگستری بین المللی در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۳۱ با تقاضای تعیین داور مشترک طبق یکی از مواد قرارداد امتیاز زمین درخواست از طرف رئیس دیوان در تاریخ ۱۹ مهر ماه.

وقوع اغتشاشاتی در تهران از طرف حزب توده روز ۸ فروردین ۱۳۳۱ با شعارهای ضد آمریکا و انگلستان و اظهار عدم رضایت از جریان انتخابات و منجر شدن آن به اعلان حکومت نظامی به مدت یک ماه از تاریخ ۱۵ فروردین.

دنباله تشریفات مربوط به انتخابات مجلس هفدهم، افتتاح مجلس روز ۷ اردیبهشت ۱۳۳۱، رسیدگی به اعتراضات مه‌ها، استعفای دکتر مصدق طبق سنت پارلمانی، معرفی هیئت رئیسه مجلس به شاه روز ۱۴ تیر ۱۳۳۱، رأی تمایل مجلسین به تجدید انتصاب دکتر مصدق و صدور فرمان نخست وزیری مصدق در تاریخ ۱۹ تیر.

ملاقات مصدق با شاه روز ۲۵ تیر و منجر شدن آن به استعفای مصدق و قبول آن از طرف شاه، انتصاب قوام السلطنه به نخست وزیری در تاریخ ۲۶ تیر و استعفای او در تاریخ ۳۰ تیر بر سر جنبش ضد حکومت او و زد خورد های خونین.

شرکت چشمگیر حزب توده در جنبش ضد حکومت قوام و تغییر وضع حزب مزبور نسبت به حکومت مصدق. تجدید حکومت دکتر مصدق ۳۱ تیر.

تنبیه و وضع مجلس نسبت به حکومت دکتر مصدق، تصویب لایحه اختیارات مورد تقاضای مصدق در جلسه ۱۲ مرداد در صورتی که وقتی قبلاً لایحه مزبور در جلسه ۲۲ تیرماه مطرح شده بود بیش از ۱۵ نفر موافق نداشت. همچنین تصویب لایحه ضبط اموال قوام در همان جلسه و تصویب لایحه غوخلیل طهماسبی در جلسه ۱۶ مرداد (نظر به اهمیت وضع مجلس و لایحه اختیارات این موضوع را در بخش جداگانه شرح می‌دهیم.)

۱ - ارسالان ظلمت بوری در جلسه ۱۵ آبان ۱۳۳۳ مجلس شورا با قرائت نامه‌ای از مهندس حسینی با فشاری در این نظر را به او نسبت داد.

کیکا وس عالیزاد

اقتصاد رو به قله!

میرحسین موسوی انقلاب سازهای را بشارت داده است. در حالی که پیش از چهار ماهه از سال گذشته، گفته است که امسال سال آغاز انقلاب در ما را غیر نفتی است. به عبارت دیگر ما را باید حرکتی آغاز شود در این جهت که کالاهای غیر نفتی روزی بتوانند جای نفت را به عنوان تنها منبع درآمد ارزی بگیرند. منتها این روزی چگونه فرا خواهد رسید، سئوالی است که نخست وزیر رژیم هنگام جواب گفتن بدان حتماً به لگنت زبان خواهد افتاد.

ولی نیازی هم وجود ندارد که وی از این باب به خویش زحمتی بدهد. زیرا جواب این سئوال را بی آنکه آتش می‌بسا الفبای اقتصاد ضروری باشد، همه می‌دانند - حتی وکلای مجلس شورایی اسلامی - همه می‌دانند که این به اصطلاح انقلاب در ما در غیر نفتی، اگر چند سال پیش هم آغاز می‌شد، اقتصاد کشور به همین فلاکت و ورشکستگی بود که امروز هست و در آمد ارزی کشور به همین اندازه وابسته به فروش نفت بود که امروز هست.

کشورها تنها تکنولوژی و دانش فنی بسیار پیشرفته تر نمی‌توانند حتی بخشی از سهم دلخواه خود را در بازار جهانی کالاهای خود را در کشورهای پیشرفته صنعتی هم نه تنها مدام هزینه تولید خود را با شین و کیفیت کالایشان را بالا می‌برند تا زمینه را به حریفان نیرومند نبازند، بلکه در نرخ برابری پول خود نیز تنبیهی برای رونق بخشیدن به صادرات می‌دهند.

ایالات متحده آمریکا، بلات آن تکنولوژی و دانش فنی و با آن اقتصاد نیرومند، برای آن که میسرند فعالیتهای صادراتی خود را وسیع تر گردانند، نرخ دلار را در عرض یک ساله و اندی به میزان ۳۰٪ و بیشتر پائین آورده است. فقط در بازار رسیاه ارز در ایران بود که این فاصله نرخ دلار بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

میرحسین موسوی چگونه می‌خواهد این خیال خام را به یک فکر بسته مبدل کند که دولت او در برابر صادرات جهانی سهمی بیش از آنچه امروز دارد، بدست آورد؟ فقط ۵ درصد از درآمد ارزی

ایران از راه فروش کالاهای غیر نفتی بدست می‌آید. تازه این هم از صدقه سر نرفت است. زیرا در قریب دهه‌های بازرگانی، شرط فروش نفت از آن را از جمله این می‌گذرانند که خریدار مقداری خشکبار و فرش و گیاه های صنعتی نیز از ایران بخرد، وگرنه این مقدار را چیز را هم نمی‌توانستند بفروشند.

روزی که صنعت کشور را به روزی انداخته است که فقط با ۳۰ درصد از ظرفیت کار می‌کند، رژیم کسسه کثا ورزی مملکت را به روزی نشانده است که فقط بخش کوچکی از نیازهای جمعیت را می‌تواند تأمین کند، کدام کالای صنعتی، کدام کالای کشاورزی را می‌تواند به خارج صادر کند؟

آقای میرحسین موسوی، قاچ زین را نگهدار، اسب دوانی پیشکش. دولت اسلامی شما، مقلد وفادار امام، آن سهم اندکی را هم که ایران در بازار کالاهای غیر نفتی جهان داشت، از دست داد. دولت اسلامی شما نمی‌تواند نیاز داخلی ایران را از کساد و فلاکت نجات دهد، آیا خنده دار نیست که در صد تمسخر با زارهای جهانی برآمده است؟

اقرار کنید، جزئیاتی که با تخفیف های کلان می‌فروشید، کدام کالاهای می‌توانید با هزینه‌های قابل رقابت در بازارهای جهانی تولید کنید؟ اتوموبیل؟ فرش نباتی؟ تراکتور؟ حتی تولید فرش ایران را چنان خواب کرده‌اید که دیگر، با وجود مرغوبیت، در بازارهای جهانی

قابل رقابت نیست و میدان آن را چین و پاکستان و هند تسخیر کرده‌اند. کساد انقلاب در ما در غیر نفتی؟ مگر تولید کالاهای قابل رقابت، انقلاب اسلامی است که با اللها کبیر گفتن بر پشت با ما کار خود را پیش ببرد؟

آقای میرحسین موسوی، اگر صدبار، هزاربار، بیست بار، بیست بار، بیست بار، آن قدر بگوئی که نسبت پس برود، آن قدر بگوئی که جهان... (استغفرالله) جانت با لایباید، بخدا اگر بتوانی نیم درصد به سهم ما در غیر نفتی کشور را اضافه کنی، با لایبردن صادرات، تولید به صرفه می‌خواهد، تکنولوژی مدرن می‌خواهد، دانش فنی می‌خواهد - یعنی همه آنچه در کشور مصیبت زده ما، امروز در حکم کیمیا است.

اگر نمی‌دانی، آقای نخست وزیر - برگزیده امام، گوشه تلفن را بردار و از وزیران صنایع سبک و سنگین، از وزیر کشاورزی خود بپرس که تولیدات صنعتی و کشاورزی در چه وضعی هستند، اگر نمی‌دانی از وزیر بازرگانی سئوال کن که ما در صادرات کشور چه روزگاری را می‌گذرانیم. این ها را بیرون و بعد به مردم بگو که ما سال می‌خواهیم انقلاب در ما در غیر نفتی را آغاز کنی. بهترین کار آنکه اگر ما نتوانیم رو به قله نخواهیم، از او بخواهی که آب تویبه در دهان اقتصاد کشور بریزد که دولت تو آن را رو به قله خواهد باخته است.

بهمن سا روی

نعمت تازه‌ای به نام اختلاف!



مهرا ن طبری

ایران و نیکی را گوشت از حیث جغرافیایی، اقیانوس ها از هم جدا می کند. رژیم اسلامی و حکومت ما رگسیت نیکی را گوشت را هم قا عدا " می بایست اقیانوس ها از هم جدا می کرد نه تنها از حیث جغرافیایی، بلکه بیشتر از آن، از حیث ایدئولوژیک. اما رژیمی که آیت الله رهبر - آیت الله فرمانده آن فتوای صریح می دهد که جنگ مسلحان با مسلمان هیچ اشکال شرعی ندارد، آشکارساز خویشتا وندی سیاسی - مرا می یا یک حکومت ما رگسیت هم هیچ اشکالی نمی بیند.

اگر می گفتند که روابط شان با نیکی را گوشت روابط دودولت به شیوه متدا ول در نظام بین المللی است، حرف چندان نمی بود. ولی در اعلامیه ای که به مناسبت پیمان سفر اخیر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم، به نیکی را گوشتا منتشر یافته، سخن از " محیطی میماند و سرشار از حسن تفاهم " می رود، سخن از " وجوه اشتراک فراوان بین دودولت در میان است.

این " محیط سرشار از حسن تفاهم " از کجاست و " وجوه اشتراک فراوان " در چیست؟ البته نه فقط برای حکومت نیکی را گوشت که برای هیچ حکومتی نمی تواند ما به " افتخار باشد که حکومت آیت الله خمینی خود را با آن مقایسه کند، مسلما " آقای اورنگان نیز نمی تواند سرش را بالا بگیرد و بسه دوستی خود با رژیم حاکم برای ایران میاها کند.

با این همه، وجوه اشتراک در میان دو حکومت اندک نیست. نه تنها هر دو رژیم از درون یک جنبش فداستبداد سر بر آورده و هر دو، پس از رسیدن به قدرت به درجات، امیدها و انتظارات دموکراتیک مردم خود را با خفوتت سرکوبیدند، بلکه چشم اندازی وجود ندارد که هیچ کدام بتوانند رسد آرمان ها می که پیش از به قدرت رسیدن مطرح می ساختند، حتی نزدیک نیز بشوند. بعکس، هر چه زمان بیشتر می گذرد، آن آرمان ها بیشتر واپس رانده می شوند و چهره " عربیان زور و خفوتت " خود را بیشتر نشان می دهد.

وجوه اشتراک دور رژیم همین جاپایان نمی یابد. هر دو رژیم آزادی مطبوعات را از بین برده اند و بر رسانه های همگانی چنگ انداخته اند. طرفداران آنها تنها رویدادهای انقلاب اسلامی و انقلاب ساندینینیستی تقریبا " همزمان بودند، بلکه تعطیل تنها روزنامه " مخالف خوان در نیکی را گوشت درست همزمان شده است با تهدید به تعطیل روزنامه " رسالت در ایران!

هر دو رژیم دارای زندانهای سیاسی بی شمارند که ماها و بلکه سالهاست در انتظار رها گما می عادلانه روز شمار می کنند. یکی هزارها زندانیان سیاسی دارد، دیگری دهها هزار. هر کدام بسه فرا خور جمعیت خویشت!

در یکی بخشی از کلیسای کاتولیک در خدمت قدرت سیاسی قرار گرفته است و دیگری دکانداران دین. و طرفدارانکه هر دو، بیانش از آن که به قدرت برسند، از حمایت دین برخوردار شدند تا پس از دستیابی به قدرت آن را بی هیچ پروائی به صورت دست انزاسی خود در آورند.

می بینیم که وجوه اشتراک به هر حال این قدر هست که علی اکبر ولایتی فارسی زبان و همتای نیکی را گوشتی اسپانیایی زبان و بدون زحمت بسیار حرف یکدیگر را خوب بفهمند، دوشیوه مشترک سرکوبگری، دوقضای مشترک اختناق سیاسی و فرهنگ، خویشتا وندی سیاسی را سبب گردیده است که فاصله های واقعی جغرافیایی و فاصله های " اجتماعی " ایدئولوژیک را بسه آسانی در می نوردند.

نمایش آقای خمینی است. و چون عقب نشینی و پس گرفتن حرف معمولاً برای " امام " برانزنده نیست، اکبر رفسنجانی این ذمه را بر عهده می گیرد. او نه تنها به وجود اختلاف های بسیار عمیق در میان سردمداران جمهوری اسلامی اعتراف می کند، بلکه آن را یک نعمت الهی نیز می داند، چرا که می گوید در زمان پیامبر و ائمه نیز که برای مردم داوران بزرگی بودند، اختلاف وجود داشت. بدین ترتیب در جمهوری اسلامی نعمت تازه ای به نام اختلاف بر نعمت های دیگر از قبیل جنگ، جیره بندی، دادگاههای انقلاب، کمیته های انقلاب اسلامی و غیره اضافه شده است. چنان جمهوری را چنین نعمت ها می هم یابد.

ولی نعمت اختلاف، خود را چون یک شمشیر دودم نشان داده است. زیرا اگر به شیوه ای مطرح گردد که به جدال و تفرقه بینجامد، نه تنها دیگر نعمتی نیست، بلکه ممکن است به نعمتی تبدیل گردد و اساس جمهوری اسلامی را درهم بریزد. این هشدار است که اکبر رفسنجانی به هیئت اتامنتای روزنامه " رسالت داده است که مدیریت آن را آیت الله آذری قمی بر عهده دارد.

رفسنجانی گفت: " مواظب باشید که روزنامه به تفرقه نگیزی و اختلاف آفرینی متهم نشود که به تعطیلی آن منجر خواهد شد.

با پدید آورش که انتقاد روزنامه " رسالت بی حکمت نبود، و آن اینکه رژیم می خواست با امکان دادن به یک مدای مخالفان تنها حکومت که اپوزیسیون را نیز در درون خود در کنترل داشته باشد.

البته هر بار که رژیم چنین کوششی کرد، شکستی هم خورد. تعطیل روزنامه " انقلاب اسلامی به مدیریت بنی صدر، تعطیل روزنامه " میزان به مدیریت مهدی بازرگان، دو منزلگاه این سفر شکست را نشان می دهد، و اکنون با تهدید به تعطیل کردن روزنامه " رسالت، شکست سومی نیز در چشم انداز قرار گرفته است.

این ها نه تنها شکست سیاست رژیم را در کنترل همزمان حکومت و اپوزیسیون نشان می دهد، بلکه واقعیت دیگری را نیز برجسته می سازد، و آن اینکه امید به اصلاح در هیچی این رژیم چیزی بیش از یک خوشبختی کودکانه نیست. این رژیم نه به دست بنی صدر اصلاح شد، نه به دست بازرگان. به دست آذری قمی ها نیز اصلاح نخواهد شد. منطبق این اصلاح ناپذیری به همان اندازه که واقعی است ساده هم هست. حکومت های دیکتاتوری، در حدسیا ربا شین تری از سرکوبگری، نتوانستند با اصلاحات رابسیا ورتند. تکلیف این حکومت به خودی خود روشن است. یا باید در برابران تسلیم شد یا با آن جنگید. راه سومی وجود ندارد.

اگر اکبر رفسنجانی مدعی است که وجود اختلاف در حکومت اسلامی نشان دهنده " ماهیت دموکراتیک آن است، سونا را از سرگشایش می زند، آنچه خفوتت دموکراتیک یک حکومت را معین می کند تنها وجود اختلاف در درون آن نیست، بلکه وجود سوا کل و رسانه های آزاد است که اختلاف ها بتوانند بسطی آن ها فرمت بروز پیدا کنند. و گرنه اختلاف، همان طور که خود رفسنجانی می گوید، در همه جا وجود دارد. اگر صرفاً وجود اختلاف، ماهیت دموکراتیک یک حکومت را تعیین می کرد، امروز جمهوری اسلامی دموکرات ترین کشورهای جهان بود. زیرا کما اختلاف ها در آن روز بسه روز عمیق تر و جاه پذیرتر می گردد.

آیت الله خمینی خواست اختلاف ها را حل کند، نتوانست. آیت الله منتظری خواست روی آن ها سرپوش بگسندارد، نتوانست. امروز رفسنجانی می خواهد از نور آن ها جلوگیری کند، و هم پیش از بالادستان خود موفق نخواهد شد. وجود اختلاف های بالا گیرنده، بخشی از بحران است که سر از رژیم را فرا گرفته است. این بحران با حکومت اسلامی زاده شد و فقط با نابودی آن از بین خواهد رفت.

آقای هاشمی رفسنجانی، در دیداری با هیئت اتامنتای روزنامه رسالت (پنجشنبه ۲۹ خرداد ماه) به آیت الله آذری قمی مدیر روزنامه " همکاران وی هشدار داد:

" من تا بحال تعبیراتی (درباره روزنامه رسالت) شنیده ام که نمی خواهم بگویم تعبیرات درستی است. بعضی ها تعبیر می کنند که این روزنامه هم سر نوشتش مثل " میزان " (روزنامه مهندس بازرگان و نهضت آزادی) و بسا قلم روزنامه می شود. باید مواظب باشید که روزنامه به تفرقه انگیزی و اختلاف آفرینی متهم نشود که به تعطیل آن منجر خواهد شد.

روزنامه جمهوری اسلامی مورخ دوم تیر ماه که گزارشی دیدار هاشمی رفسنجانی با گردانندگان رسالت را به چاپ رسانده است، در بخش دیگر گزارشی سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی را چنین آورده است:

" از وقتی که خبر انتشار این روزنامه بخش شده بود یک پیشنهادی وجود داشت و تعبیراتی می کردند که این روزنامه مثلاً " دست راستی یا طرفدار مستکبرین یا سرمایه داری و ارتجاعیست، تعبیراتی که در جامعه ما ضد ارزش های شناخته شده است... "

در باره آذری قمی، مدیر روزنامه رسالت، رئیس مجلس شورای اسلامی گفت:

" از طرفی روزنامه با روحانیت ارتباط پیدا می کند و با حوزه به یک نحوی مربوط است، آقای آذری قمی عضو جامعه مدرسین هستند و اگر هم نبودند از استوانه های روحانیت هستند... باید خیلی مواظب باشید که روزنامه مسه، روزنامه مساده ای نیست، روزنامه ای است که به خیلی جاها مربوط است... "

گسترده، ولایت فقیه بخورند و دم بر نیابورند. زیرا اگر جمهوری اسلامی نتوان شود و فدا انقلاب قوی دست گرد، همه آن ها از دم تیغ خواهند گذشت. اما چنین پیداست که اختلاف ها قوی تر از

آیت الله خمینی در فرمت های گوناگون به مقلدان خود در دولت، در مجلس، در حوزه های علمی، در سپاه و کمیته... توسعه یافته قول خود، " نصیحت " کرد که اختلاف ها را کنار بگذارد و از خفوتت

صد کارخانه دولتی تعطیل می شود

از توزیع پرسنل می سپاه برای شرکت در جبهه ها، کارگران را ترسانده اند و با مطرح کردن باز خرید سنوات خدمت، کارگران را وادار به استعفا می کنند. پیش بینی می شود که از ده زده هزار کارگر ربا ربا ناسیونال ۶ هزار نفر باز خرید شوند. سه هزار نفر به جبهه ها فرستاده شوند و سه هزار

نفر باقی مانده به واحدهای صنعتی دیگر که تسلیحات ارتش را تا می کنند فرستاده شوند. در میان واحدهای صنعتی، کارخانه های مونتاژ و توموبیل وضع دردناک تری دارند. کارخانه های مونتاژ فیا به جز یک شیفت کار صوبت در کارخانه ای لیلاند که نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر دارد، کارگران را با تهدید به فرستادن به جبهه ها وادار به استعفا کرده اند. حتی کارخانه های که زمانی سود آور بودند، نظیر آزمایش وارج به علت کمبود مواد اولیه شیفت های کارشان را کم کرده اند و در هر دو این کارخانه ها به جز یک شیفت کار صوبت نمی گیرد. کارگران این واحدهای بزرگ صنعتی که روزگاری حتی فرست سرخا را ندان نداشتند، امروزه از بیکاری به " دوربازی " مشغول هستند. البته از وجود برخی از آن ها به عنوان سیاه لیست برای تظا هرات شورا نگیزی که به هر مناسبتی یا بی هر مناسبتی بر گزار می شود استفاده می کنند. اغلب این تظا هرات بسه عنوان دا طلبیان جبهه ها بر گزار میشود و کارگران در حالی که سر بزند " نصر من الله فتح قریب " یا " لبیک یا خمینی " به سرشان بسته اند مدتی به نطق جت الاسلام هاشمی رفسنجانی یا جت الاسلام خا منهای گوش می کنند و پس از آن با اتوبوس هایشان به کارخانه بر می گردند. یکی از این کارگران می گوید: " ترس ما اینست که یک روز ما را بی خبری بجای آنکه به کارخانه برگردانند، به جبهه ها بفرستند.

آن طور که به ازادنبوی می گوید، دست کم یک سوم از کارگران شما می کارخانه های که تعطیل می شوند به جبهه ها اعزام خواهند شد. دستور عملی که به سرزاد نبوی به مدیران کارخانه ها صادر کرده لازم الاجرا است. معنی فرمان او اینست که برای کارگران در جمهوری اسلامی حق " اعتصاب " یا " اعتراض " وجود ندارد.

در یک جلسه خصوصی که هفته ای گذشته با حضور مدیران کارخانه های دولتی تشکیل شد، به ازادنبوی، وزیر صنایع سنگین، اعتراف کرد که بزودی ۱۰۰ کارخانه های بزرگ دولتی تعطیل خواهند شد. در این جلسه که پس از پایان یک دوره هیات موزی مدیریت تشکیل شده بود، به ازادنبوی گفت که دولت قادر به تامین مواد اولیه و تحمل هزینه کارخانه ها نیست و چاره بی ندارد جز آنکه عذر کارگران را بخواهد یا آن ها را دسته جمعی به جبهه های جنگ بفرستد. به ازادنبوی با مثال آوردن از کشورهای کمونیستی اروپای شرقی گفت که حتی در اینگونه کشورها هم کارخانه های را که سود نمی دهند تعطیل می کنند.

بهر حال، چه به ازادنبوی به این حقیقت معترف بشود یا نمی شد، بسیاری از واحدهای بزرگ صنعتی ایران به گل نشسته اند. این واحدهای بزرگ که دولت به سبب نداشتن ارز و لیاقت قادر نبود مواد اولیه و مواد تمام به سرای گردش چرخ کاران ها فراهم کند، عملاً در راستای تعطیل قرار دارند. تعدادی از این واحدها بدلیل نداشتن متخصصی کافی و بی تجربگی و بیسواد می مدیرانش عملاً نتوانستند تولید خود را به سطحی برسانند که سودآور باشد. با آنکه دولت کارلای صنعتی و معمرنی را به قیمت های بسیار ربا لاتر از قیمت تمام شده در بازار آزاد به فروش میرساند، این کارخانه ها به دلیل مدیریت نادرست از تمسباسی امکانات خود نمی توانند استفاده کنند و در نتیجه هزینه آن ها بسیار ربا لاتر.

تا سال گذشته دولت زیان این کارخانه ها را جبران می کرد، اما بسا شروع مشکلات ارزی، دیگر کارخانه جبران زیان آن ها نیست. بسیاری از این کارخانه ها تقریبا " به ناسداد زه دارا می شان به بانک ها به کار رند. هر روز تعدادی از این واحدهای ورشکسته به بانک ها واگذار می شوند، بدون آنکه بانک ها بتوانند درازای پول هایشان در آمدی کم کنند. بسه عنوان مثال، کارخانه " چوکا " سالانه ۴۰ میلیون تومان زیان روی دست دولت می گذارد. از آنجا که دولت نتوانسته است مواد مورد نیاز کارخانه های ایران را سیونال را تامین کند، دوازده هزار کارگر آن وضع نا پایداری دارند. مدیران کارخانه ها

اخلاق اسلامی می‌نگد

در جمهوری اسلامی، دیگر ما هیت فحشا و منکرات را نفس عمل تعیین نمی‌کنند، بلکه هدف آن تعیین می‌کند. شما ممکن است مرتکب فحشا و منکرات، البته به زعم قانونگزاران شرع، بشوید و بر حسب اینکه منظور آن از این کار چه بوده است، مشمول چند نوع مجازات گردید. ممکن است قدم‌ها رزه یا جمهوری اسلامی را داشته‌اید، یا بجای آن به اسلام دهن کجی کنید، یا به خون شهدا اهانته‌اید و یا جو اسلامی حاکم را به تمسخر بگردانید و مسموم گردانید و سرانجام تمام نظام اسلامی را به زیر سؤال ببرید. رسیدگی به فحشا و منکراتی که صلاحیت دادسراها یا انقلاب اسلامی است. ولی ممکن است اصلاً چنین منظورهای نداشته‌اید و فقط نتوانسته‌اید در برابر وسوسه‌های نفس‌انگاره و مقاصد کنید، آننگاه دادسراها یا عادی و محاکم کیفری به جرم شما رسیدگی می‌کنند. منتها اشکال کار در این است که قصد قبلی شما نوع جرمی را که مرتکب شده‌اید، تعیین نمی‌کند، بلکه لابد احکامان شرع اسلامی آن را تعیین می‌کنند. حجت الاسلام مرتضی مقتدایی، سخنگوی شورای عالی قضائی در این باره می‌گوید: «چنانچه تشخیص داده شود (کی یا بد تشخیص بدهد، دقیقاً معلوم نیست) افراد را ترک‌کننده، مراکز فحشا و منکرات و یا شرکت‌کننده در این مراکز، تصدیباً رزه یا جمهوری اسلامی و دهن کجی به اسلام و خون شهدا و مسموم نمودن جو اسلامی حاکم و زیر سؤال بردن نظام اسلامی را دارند، رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراها یا انقلاب اسلامی است و در تهران به این گونه پرونده‌ها در این رسیدگی می‌شود، و در غیر این صورت رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسراها و محاکم کیفری است.» ظاهراً از عوامل تشدید مجازات جرائم نامبرده یکی این است که در شهرهای ساحلی شمال کشور صورت گیرد، زیرا حجت الاسلام مقتدایی می‌گوید: «در ارتباط با فساد و فحشا که در شهرهای کثرت‌رديا قرار دارند، از سوی شورای عالی قضائی مقرر شده است که دادسراها هرگونه فحشا و منکرات جلوگیری نموده و با گذشتن گشت، موارد تخلف را شناسائی و مجرم را دستگیر نموده و دادگاه‌های کیفری... خارج از نوبت رسیدگی و حکم‌شروعی صادر نمایند.» ملاحظه می‌کنید که چگونه مکانات قضائی و اجرائی یک رژیم علیه چیزی

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی : Nom

نام : Prénom

آدرس : Adresse:

– مايلم نشریه، قیام ایران را به مدت یک سال به مدت شش ماه مبلغ فرانك فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبضه رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

تاریخ امضاء

(علاقه‌مندی که قدا در به پرداخت وجه اشتراك نیستند، می‌توانند به ما بنویسند تا وجه اشتراك آنها از محل کمک‌های دیگران تاءمین شود)

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78_Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌ها بی‌گناه به آدرس حساب پستی یا بانکی ترستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

شماره جدید لترپرسیان

منتشر شد

Lettre Persane

ما هنامہ فرانسوی زبان "لترپرسیان" شماره ۴۶ - ماه ژوئن - از انتشارات نهضت مقاومت ملی ایران در این هفته طبع و نشر شد.

سر مقاله این شماره لترپرسیان در باره "عادی سازی روابط سیاسی ایران و فرانسه است و در صفحات دیگر ما هنامہ این مقالات آمده است :

ده سال تروریسم خمینی ، انترنا سونال تروریسم، درباره "مخاطبه سلطان حسن دوم با یک فصلنامه فرانسوی ، انشاء الله (گزارشی در باره "برنامه تلویزیونی "حق جواب" صنعت و هنر در عصر سانسایان و معرفی و نقدی بر فیلم "فرستاده" اثر پرویز صیاد که چندی پیش در یک فستیوال سوال با ریسی فیلم‌های ایرانی و همچنین در یک سینمای تاریخی به نمایش گذاشته شد.

بیخ شده است که به روشنی معلوم نیست که چیست و بر حسب تشخیص می‌تواند یک عمل ضد انقلابی مستوجب مجازات شدید و حتی اشد مجازات باشد و یا به عنوان یک تخلف فقط مشمول تعزیر شود. انسان بی اختیار نتیجه می‌گیرد که این "تسلیم اخلاقی اسلامی" لابد بدین سبب است که منکرات و فحشا، چه از نوع ضد انقلابی و چه از نوع عادی آن، تمام کشور را گرفته است. ولی مصاحبه سخنگوی شورای عالی قضائی شملاً را زود از این اشتباه درمی‌آورد. وی می‌گوید: "در این موقعیت حساس که جو معنویت و ایثار روگذشت از جان و مال، و عشق به شهادت و فداکاری در راه اسلام فضای کشور را پر کرده و حاکمیت نظام اسلامی در کشور کاملاً محسوس است..." فقط یک اقلیت محدود دست به چنین کارهایی می‌زند و "سوی فحشا و منکرات به احتکار روگردانند و خرید و فروش مواد مخدر نیز می‌پردازد. و برای جلوگیری از همین اقلیت کوچک است که جمهوری اسلامی برای یک "مبارزه" قاطع و بی‌گنجه و همه‌جانبه تمام امکانات دادسراها و دادگاه‌های انقلاب و عمومی خود را بسیج کرده است.

این خانگویی سخنگوی شورای عالی قضائی از کجا است؟ از اینجا است که مقاصد منفی، یعنی همان دهن کجی به تمامیت نظام جمهوری اسلامی، یعنی ارتکاب از روی عمد به هر کاری که در دستورهای اخلاقی یک رژیم ضد اخلاق درج گردیده است، موجی است که روز به روز بالاتر می‌گردد و در نتیجه روز به روز رژیم را هراسناک تر می‌کند.

رژیمی که پیدا شدن یک تارگسوی زن و نه طراهی از آن، شکستن گل لبخند بر لب یک دختر، آستین کوتاه یک نوجوان که تصادفاً "تلوارچین" هم پوشیده باشد و چیزهایی از این دست که املاً یک ذهن عادی و سالم را به خود مشغول نمی‌دارد، اساس آن را متزلزل می‌کند، آیا بسا دست خود گورهای خود را نکنده است؟ رژیمی که معیارهای اخلاقی آن به به وسیله دستورهای دنیا پسند اخلاقی، بلکه به وسیله عقده‌های حقارت جنسی یک مشت بیما رتعیین می‌شود، سطح مقاصد در برابر خود را به تمام جا معاً ایران گسترش داده است. تمامیت این رژیم با تمامیت جا معاً امروز ایران درگیر است. آیا نیازی به تاءکید دارد که این نبرد تا سقوط حتی رژیم دامنه خواهد یافت؟

سرنوشت یک میلیارد دلار طلب ایران از فرانسه

یک نماینده مجلس شورای اسلامی سیاست‌بینان کاری دولت اسلامی را در رابطه با فرانسه مورد انتقاد قرار داد.

سید احمد کا شانی نماینده نطنز و قمصر در مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به مطالبات ایران از فرانسه، گفت: در مورد اصل و بهره این طلب هیچ گونه اختلاف نظری وجود ندارد و حتی مقامات فرانسوی نیز به آن مستترند. وی افزود: استبقای مطالبات جمهوری اسلامی چندان دشوار نیست ولی موکول به برخورد قوی سیاسی و حقوقی می‌باشد. حال آنکه مقامات اجرائی کشور تا این تاریخ هیچ گونه برخورد قاطعی با قضیه نکرده‌اند. وی گفت: بین اظهارات رسمی و عملکرد مقامات دولتی در خصوص استبقای حقوق ملت ایران دوگانگی آشکار و غیرقابل توجیهی به چشم می‌خورد. و افزود: اختلاف ایران و فرانسه در مورد مطالبات مزبور به داور اتاق تجارت در پاریس ارجاع شده و تاء سفارت در پاریس بدون دادن کمترین اطلاعات در این زمینه به مردم و مجلس، این تمویب‌نامه غیرقانونی را به اجرا گذاشته و سرنوشت این مسأله که مهم مالی به نظر و تصمیم‌دهنده‌ای از

اتباع بیگانه و غیرمسئول به تمام داور خارجی واگذار گردیده است. کا شانی، به سخنان نخست وزیر اسلامی در گزارش تلویزیونی وی اشاره کرد و گفت: آقای نخست وزیر اظهار داشتند که مردم ما همواره در جریان اصلی ترین و مهم ترین تصمیم گیری‌ها هستند. علی رغم این ادعا مذاکرات مربوط به طلب بزرگ و مسلم جمهوری اسلامی از فرانسه ما تنها برمسائیل مهم کشور کاملاً مخفیانه بوده و به کلی گوئی‌هایی از طرف مقامات ایران اکتفا شده است.

نماینده نطنز و قمصر فاش کرد که در این پرونده مهم، دولت ایران به فردی آلمانی به نام "واکنسور" اختیارات تکلیفی داده است که موارد عدم صلاحیت وی از نظر علمی و اخلاقی به اعتقاد حقوقدانان ایرانی محرز می‌باشد.

وی سیاست‌های دولت اسلامی را در این میان بیگانگی و تسلیم طلبی در برابر بیگانگان توصیف کرد و گفت: من نگرانی جدی خویش را نسبت به سرنوشت این ثروت عظیم و در این شرایط حساس اعلام می‌کنم و در این رابطه به نمایندگان تجربه تلخ بیانیه الجزایر را هشدار می‌دهم.

نشانی پستی شاخه‌های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA

NEHZAT
PB. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND

A.CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA

M.R.N.I CASELLÀ
POSTALE 24
TORINO CENTRO
ITALIA

مهران آزاد شد

به گزارش خبرنگاری فرانسه از بغداد، عراقی روزه ۳ ژوئن تا شید کرد که نیروهای را از شهر مهران خارج کرده و به مرزهای بین المللی عقب‌نشسته است. اعلامیه ارتش عراقی حدود یک ساعت پس از انتشار اعلامیه جمهوری اسلامی مبنی بر بازپس گرفتن شهر مهران ما در شد.

جمهوری اسلامی روز ۲ ژوئیه اعلام کرد که شهر مهران در با مداد چهارشنبه ۲ ژوئیه طی عملیات کربلای یک از نیروهای عراقی بازپس گرفتند و نیروهای جمهوری اسلامی ده‌ها کیلومتر در منطقه مرزی مهران پیشروی کرده‌اند.

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

مطالبه میلیونها تومان جریمه

پای سینما

در پی اخاذی های بی وقفه جمعی از اعضای آزادیخواه، رژیم این بار به پای خواهی از صاحبان سینما ها روی آورده است.

خبرهای رسیده از تهران حاکی است، دادستانی انقلاب اسلامی به ما حیسان پنجاه سینمای تهران از اخطا رکورد هر چه زودتر مبالغ کلانی به حساب دادستانی واریز کنند.

رژیم در آمد سینما ها را از سال ۱۳۴۲ که خمینی به ترکیه تبعید شد تا سال ۱۳۵۷ که به ایران بازگشت، نامشروع اعلام کرده است و با آنکه چندین سینمای تهران از جمله سینما شهر فرنگ و سینما شهرتصه را مصادره و به بنیاد مستضعفان واگذار کرده است، از ما حیسان پنجاه سینمای تهران خواست از سه تا پنجاه میلیون تومان به حساب دادستانی انقلاب واریز کنند.

از سوی دیگر، صاحبان سینما ها در برابر این پای خواهی دولت اسلامی واکنش نشان داده، در جلسات اخیر مجمع سینما داران تصمیم گرفتند به بهای زندانی شدن و تعطیل سینما های خود از پرداخت این مبلغ خودداری کنند.

در ارتباط با اخاذی دولت ولایت فقیه، مالک سینمای دروازه طلایی بنام امیر مجد بیگدلی که به دادستانی مراجعه کرده بود از پرداخت بلیت خودداری ورزید و زندان را انتخاب کرد. وی هم اکنون در بند سیزده زندان اوین به سر می برد. مالک سینما ستاره نیز که می باید چهار میلیون تومان بپردازد، انتظار می رود به سر نوشت همکار خود دچار گردد. خبر دیگر در ارتباط با این ماجرا حاکی است که فردی بنام غلام امینیان دلال فیلم و خراجچین رژیم که بعنوان مجمع سینما داران انجمن اسلامی در جلسات از نشست های اخیر ما حیسان سینما توسط آن ها کتک خورد و از جلسه اخراج گردید.

ما حیسان سینما ها می که مورد پای خواهی دادستانی انقلاب قرار گرفته اند، به عنوان اعتراض، تصمیم دارند در مقابل تقابل ساختمان نخست وزیری اجتماع کنند.

لایحه ناپودی

سازمان نظام پزشکی

سراخام پس از نزدیک به یک سال کشمکش میان سازمان پزشکی و دولت اسلامی، وزارت بهداشت و درمان جمهوری اسلامی لایحه ای را که پزشکان کشور آن را لایحه متلاشی ساختن سازمان نظام پزشکی نامیده اند، به مجلس شورای اسلامی برد.

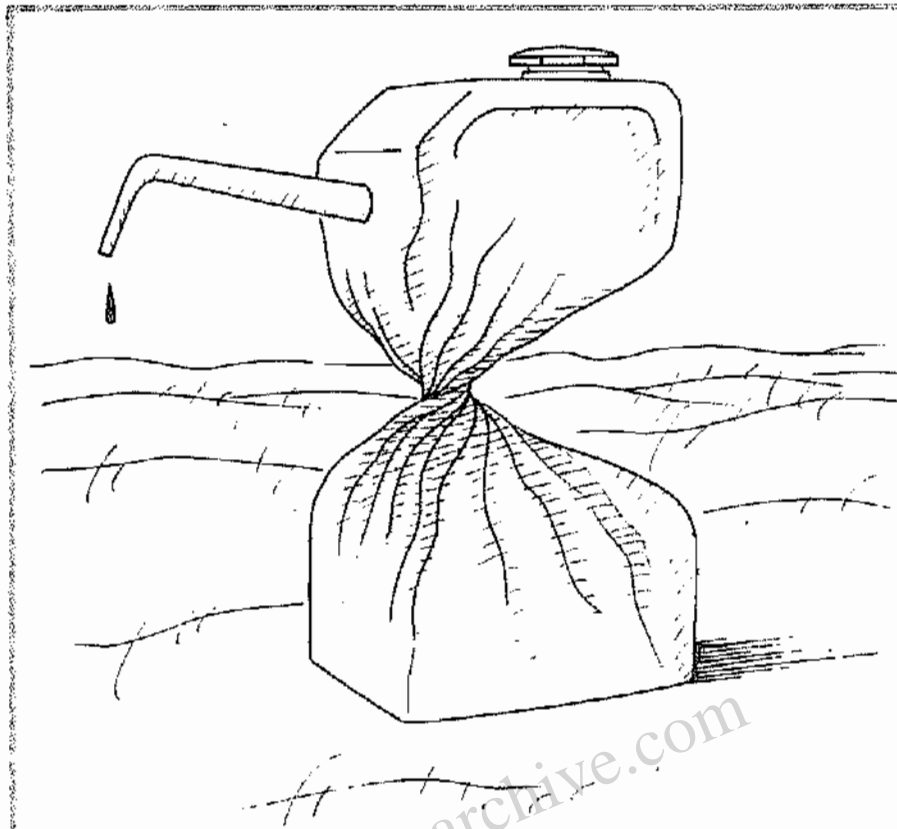
بر اساس این لایحه سازمان نظام پزشکی از کل یک سازمان مستقل علمی و حرفه ای خارج می شود و به یک سازمان تحت کنترل حزب الله تبدیل می گردد. همچنان بر اساس این لایحه، دولت اسلامی بر نحوه انتخاب شورای مرکزی، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و کزینش هیات مدیره نظام پزشکی مراکز استان و شهرستان ها کنترل مطلق خواهد داشت.

در این لایحه، تعداد اعضای شورای مرکزی نظام پزشکی یازده تن ذکر شده است که هفت تن از آنان از سوی دولت اسلامی منصوب خواهند شد.

اعضای انتصابی شورای مرکزی نظام پزشکی عبارتند از: دو پزشک به نمایندگی وزیر بهداشت و درمان، دو پزشک به نمایندگی هیئت وزارت خانه زدا نشگاه ها، مدیرکل پزشکی قانونی جمهوری اسلامی، رئیس بهداری ارتش و رئیس بهداری ساهاسداران. نتیجتاً یک سوم،

بازگشت به دام استعمار!

بقیه از صفحه ۱



معنی استعمار در لغت "طلب آبادانی" است. وقتی عرصه صنعت در اروپا آغاز شد کشورهای صنعتی به دو چیز احتیاج پیدا کردند. یکی مواد اولیه مورد نیاز از صنایع خودشان و یکی دیگر نیاز از فروش برای بازار محصولات صنعتی. این نیاز آن ها را به کشورهای دوردست متوجه کرد. سرزمین هایی را که مصادری نداشت و یا مردمش قادر به دفاع از خود نبودند با زور در تملک خود در آوردند و در سرزمین هایی که بدلائل مختلف امکان تصرف آن ها وجود نداشت از طریق تحمیل امتیازات و عقد قراردادهای اقتصادی جای پای کردند. ظاهراً قضا این بود که آن ها برای آباد کردن و ساختن و اکتشاف و استخراج معادن توسعه یافتند و زرع کمک می کنند و در منافع حاصله شریک می شوند. اما سهم آن ها مبادر حقیقت سهم شیری بود. همانقدر که ناخن بند می کردند همه چیز را مالک میشدند و کشور طرف قرارداد دیگر حتی صاحب خانه خود نیز بحساب نمی آمد. قراردادهای استعماری بدین طلیت موجب تنفر ملت های عالم قرار گرفت که عوف آبادانی، ویرانی و فساد و وابستگی برای کشورهای عقب مانده از قافله صنعت به بار آورد. استعمارگران می خواستند سوادخام را به بیهای ارزان بدست آورند و در نتیجه به کارگران ارزان احتیاج داشتند. این بود که

وبا زارهایش در اختیار استعمارکننده باشد. پس از جنگ دوم جهانی بر اثر تحولاتی که در صحنه سیاست بین المللی پدید آمد، کشورهای استعمار شده عملاً زانها گسه رسا " مستعمره بودند یا آن ها که دستشان زیر سنگ قرار دادهای استعماری قرار داشت مجالی یافتند تا خود را از اسارت برهانند. کشورهای تولید کننده نفت در بین میان از یک بخت استثنائی برخوردار شدند زیرا متعاقب نهضت های حق طلبانه غذا استعماری علیه قرار دادهای ظالمانه و کمپانی های غارتگری - که ملت ایران یکی از پرچمداران آن بود - قرار دادهای استعماری نفت زیرورو شد. کشورهای تولیدکننده نفت عموماً " صنایع نفت خود را ملی کردند. اکثر آن ها - و مقدم بر همه ایران - توانستند بشایستگی از عهده اداره صنایع نفت خود برآیند. سپس اتحادیه کشورهای تولیدکننده نفت " اوپک " تشکیل شد و به برکت وجود " اوپک " کشورهای تولیدکننده نفت موفق شدند در بازارهای بین المللی نفت رخنه کنند و قیمت گذاری را که تا این زمان در انحصار کمپانی های نفتی بود تحت اختیار بگیرند.

در تاریخ روابط اقتصادی، آنچه طی دو دهه شصت و هفتاد متبوع کشورهای تولید کننده نفت رخ داد یک حادثه غیرعادی محسوب می شود. برای اولین بار، تولیدکنندگان یک ماده خام درجهان سوم از چنان قدرتی برخوردار شدند که توانستند کشورهای بزرگ صنعتی را به زانو در آورند. با وجود آنکه کشورهای تولید کننده نفت عموماً " بر اثر این تحول ناگهانی با دشواری های داخلی روبرو بودند و خریدهای خارجی قسمت قابل ملاحظه ای از عواید آن ها را می بلعید مع الوصف معجزه درآمدهای نفتی را در توسعه اقتصادی و صنعتی آشکارا میشد درین کشورها مشاهده کرد. بعنوان مثال، کشور خودمان ایران هرگاه در معرض طوفان بلا قرار نمی گرفت و فرصت می یافت طرح هایی را که با همسایه های غربی و کاستی ها - برای خرید تکنولوژی آغاز کرده بود - به مرحله بهره برداری برساند امروز دیگر - احتمالاً - نفت خامی فروخت و حاکم بر امر استخراج و تصفیه و بازاریابی و بازرگانی و حمل و نقل نفت و محصولات پتروشیمی خود می بود.

تبدیل کشورهای تولیدکننده محصولات صنعتی امری است که استعمار رکن تصور می نماید کرد و استعمار رکن تصور می نماید کند. بنا بر این یک بازی بزرگ دهانه مانده انقلاب اسلامی لازم بود تا دوباره وضع بحالت اول برگردد. کشورهای تولید کننده مواد خام در چنان شرایطی قرار گیرند که مجبور باشند به منابع طبیعی خود چوب جراح بزنند. روی پای صنعتی شدن درین کشورها فرا موش شود و آن ها همچنان مصرف کننده محصولات ساخته شده صنعتی - از سوزن خیاطی گرفته تا موشک زمین به هوا و هوا به زمین - باقی بمانند. استعمار چون میدانست با چهره شناخته شده نمی تواند به شرق میانه بازگردد و ملت هایی را که با رنج فراوان از اسارت ان رهیده بودند دوباره به دام بکشد، نقاب عوف کرد و این بار به صورت " استعمار " وارد میدان شد.

معنی فسط چهارتن از اعضاء شورای مرکزی نظام پزشکی انتخابی هستند که تازه شرایط انتخاب آن ها نیز باید به تایید جمهوری اسلامی برسد. یکی از شرایط انتخاب شوندهگان در لایحه مذکور، حسن شهرت در تعهد عملی به اسلام و عمل به احکام دین اسلام و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده است. نماینده وزیر بهداشتی هفته گذشته در پاسخ به این سؤال که آیا سازمان نظام پزشکی با چنین ترکیبی میتواند از حقوق صنفی جامعه پزشکان دفاع کند،

منکر حقوق صنفی پزشکان شد و گفت: ما در جلسات و کمیسیون ها به این نتیجه رسیدیم که اصول ولایت فقیه باید در نظام پزشکی نیز جاری شود. با دآوری می کنیم، حزب جمهوری اسلامی و شخص دکتر علیبرضا مرتدی وزیر بهداشت و درمان دولت اسلامی از ما ملان تهیه این لایحه هستند. مرتدی در چند ماه گذشته تلاش فراوانی به عمل آورد تا تلاشها را شکست دهد و از آنجا که پزشکان را نیز از دانشکاهها جدا و به وزارت بهداشت و درمان ملحق سازد ولی بر اثر مقاومت دانشکاهها

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد

رادیو محلی نهضت و اشنگتن رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران شاهی واشنگتن - ویرجینیا - مرلیند بکتنیه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.